

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شب کنکور ارشد

(مخصوص داوطلبان آزمون کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی)

شامل:

- ✓ حقوق جزای عمومی
- ✓ حقوق جزای اختصاصی
- ✓ آیین دادرسی کیفری
- ✓ متون حقوقی
- ✓ متون فقه

به کوشش:

دپارتمان تخصصی کارشناسی ارشد حقوق جزا





سرشناسه: دپارتمان تخصصی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرمشناسی

شناسه افزوده: دکتر ابوالقاسم شم آبادی (ناظر)

عنوان: شب کنکور کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرمشناسی

مشخصه نشر: تهران، انتشارت عدلیه، ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری: ۷۰۰ صفحه

موضوع: حقوق جزای عمومی - حقوق جزای اختصاصی - آیین دادرسی کیفری

موضوع: متون حقوق عمومی، جزا، بین الملل، خصوصی، بشر

موضوع: متون فقه - تحریر الروضه - شرح کلانتر - لمعه دمشقیه - شهید ثانی - شهید اول

موضوع: قانون مجازات اسلامی - قانون آیین دادرسی کیفری - قانون نیروهای مسلح

موضوع: آزمون کارشناسی ارشد - حقوق جزا و جرمشناسی - سوالات سنوات اخیر

قیمت: ۲۵۰ هزار تومان

تلفن :

۰۲۱-۶۶۶۹۲۱۰۰۲

۰۲۱-۶۶۵۸۱۷۴۸

Email: nashreadliye@gmail.com

http://www.adlpub.com

میدان انقلاب - جمالزاده جنوبی - پلاک ۹۴ - طبقه ۴ - واحد ۱۷

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

A
D
L
I
Y
E
H
|
|
|

فهرست مختصر مطالب

مقدمه:	۵
بخش اول: حقوق جزای عمومی	۷
بخش دوم: حقوق جزای اختصاصی	۱۷۰
بخش سوم: آیین دادرسی کیفری	۲۶۹
بخش چهارم: متون حقوقی	۴۱۱
بخش پنجم: متون فقه	۴۹۳

حقوقی عدلیه - ۰۲۱۶۶۹۲۱۰۰۲
۰۲۱۶۶۵۱۱۷۴۸ و ۰۲۱۶۶۹۲۱۰۰۲

انتشارات حقوقی عدلیه - ۰۲۱۶۶۹۲۱۰۰۲ و ۰۲۱۶۶۹۲۱۰۰۶
۰۲۱۶۶۵۱۱۷۴۱ و ۰۲۱۶۶۵۱۱۷۵۶۱۰۲

مقدمه

داوطلبان کارشناسی ارشد حقوق همواره دنبال کتابی هستند که در عین جامعیت به صورت خلاصه مطالب آزمونی را شرح داده باشد و داوطلب را از سردرگمی‌های موجود رها سازد. این موضوع در خصوص رشته حقوق به دلیل اهمیت و گستردگی منابع و همچنین تراکم زیاد داوطلبان در پشت درب آزمون کارشناسی ارشد حقوق مشهودتر است. اضافه بر این، در بین شاخه‌های علوم انسانی بیشترین داوطلب را داشته و در بین داوطلبان کارشناسی ارشد حقوق نیز بیشترین علاقه مند بعد از شاخه حقوق خصوصی، به این شاخه اختصاص پیدا کرده است. بنابراین هر داوطلبی برای موفقیت لازم است حداقل چند ماه بر روی منابع و قوانین و مقررات مختلف، وقت بگذارد. با قبول این موضوع، راه حلی که جهت آسان سازی این مسیر به داوطلبان آزمون کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، پیشنهاد می‌شود کتاب خلاصه‌ای است که مطالعه آن بدون شک همانند مطالعه منابع اصلی است و ویژگی اصلی این کتاب این است که اولاً در یک جلد بوده و در ثانی مطالب همه دروس تخصصی شاخه جزا را به صورت مختصر و مفید به همراه تست‌های شبیه سازی شده و سنوات قبل آزمون کارشناسی ارشد حقوق در بر دارد.

اسم این کتاب برای اولین بار شب کنکور کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی نام گذاشته شد. از این رو کتاب شب کنکور، همانطور که از اسمش پیداست؛ برای داوطلبانی در نظر گرفته شده که به دلایل مختلف و اصولاً نزدیک به آزمون ارشد، می‌خواهند فقط یک کتاب و یا یک منبع اصلی و مفید را به جای چندین و چند منبع مطالعه کنند و یا اینکه بعد از مطالعه منابع اصلی می‌خواهند نکات مهم و تستها را به طور خلاصه وار مرور کنند.

همین موضوع مهمترین دلیل تالیف این کتاب و البته مهمترین مزیت این کتاب نسبت به سایر کتب موجود است. مسلماً تا به حال چنین کتابی سابقه تالیف به این شکل را ندارد مخصوصاً اینکه در تالیف هر بخش کتاب، از منابع، مقالات، قوانین، جزوات و کتب اساتید طراح و یا رفرنس استفاده شده است.

با بیان مقدمه فوق، این کتاب از ۵ بخش تشکیل شده است:

- حقوق جزای عمومی: که شامل مباحث حقوق جزای عمومی یک، دو و سه می‌باشد.
- حقوق جزای اختصاصی: که شامل مباحث حقوق جزای اختصاصی یک، دو و سه می‌باشد.
- آیین دادرسی کیفری: که شامل مباحث آیین دادرسی کیفری یک و دو و مواد مهم قانون آیین دادرسی کیفری در قالب نکات مهم می‌باشد.
- متون حقوقی: که شامل متون تخصصی حقوق خصوصی، حقوق عمومی، حقوق کیفری و حقوق بین الملل و تجارت بین الملل می‌باشد.
- متون فقه: که شامل خلاصه مباحث آزمونی به همراه ترجمه و لغات مهم و به همراه تست است.

در نهایت اینکه؛ حتی‌المقدور سعی شده است نکات مهم کتب اساتید رفرنس به همراه برخی از نکات مستخرج از سوالات آزمون کارشناسی ارشد در این کتاب مورد اشاره قرار گیرد که مسلماً کمک بزرگی در یادگیری مطالب آزمونی به داوطلبان خواهد بود.

دپارتمان تخصصی کارشناسی ارشد حقوق جزا

یکهزار و سیصد نود و هشت

انتشارات حقوقی عدلیه - ۰۲۱۶۶۹۲۱۰۰۲ و ۰۲۱۶۶۹۲۱۰۰۶
۰۲۱۶۶۵۱۱۷۴۱ و ۰۲۱۶۶۵۱۱۷۵۶۱۰۲

بخش اول:

حقوق جزای عمومی

مکاتب جزایی

مبنای شکل گیری بسیاری از مباحث جزا و جرم‌شناسی، نظریات اندیشمندان در قالب مکاتب مختلف جزایی بوده است. این مکاتب و ویژگی‌های آن عبارتند از:

مکتب فایده اجتماعی

از میان طرفداران (مکتب کلاسیک) عده‌ای معتقد به فایده اجتماعی و عده‌ای معتقد به عدالت مطلق بودند منتسب به ژان ژاک روسو، **سزار بکاریا و جرمی بنتام** این مکتب هستند. آنها ضمن انتقاد از شدت مجازات‌ها، آنچه معیار مجازات قرار دادند: سودمندی مجازات است. بنابراین اصولی را در حقوق کیفری پیشنهاد دادند که بشرح ذیل می‌باشد.

▪ وظیفه جامعه دفاع از فرد است و این وظیفه از طریق مجازات اعمال می‌شود. مجازات باید دارای فایده اجتماعی باشد. فایده اجتماعی مجازات آن است که **مانع تکرار جرم شود** و الا مجازات به خودی خود، دارای فایده نمی‌باشد. (روسو)

▪ **کاهش مجازات‌ها و مخالفت با شدت آن و در مقابل حتمیت و قطعیت مجازات‌ها** از اصول این مکتب است. حتمیت مجازات به این معناست؛ مجازاتی که برای مجرم صادر می‌گردد حتماً باید اجرا شود و نباید از طرق مختلف همانند کاهش مجازات، مجازات را ناقص و یا اجرا ننمود و مجازات اعدام **تنها برای مجرمان سیاسی** قابل اجرا است. (بکاریا)

▪ **اصل قانونی بودن جرم و مجازات** باید رعایت گردد و **تنها قانونگذار** صلاحیت تعیین رفتارهای مجرمانه و مجازات را دارد و با ارائه راهکار حداقل و حداکثر مجازات پیشنهاد شد که هم اصل قانونی بودن مجازات اعمال گردد و هم قاضی بتواند **اختیار تعیین مجازات** متناسب داشته باشد که امروزه این ایده یکی از عمده‌ترین شیوه‌های تعیین مجازات از سوی قانونگذاران است. (بکاریا)

▪ بکاریا معتقد به اجرای **عدالت نسبی** بوده و اجرای آن را از طریق **متناسب نمودن جرم و مجازات** ممکن می‌داند.

▪ هدف نهایی مجازات و اجرای آن **پیشگیری از ارتکاب جرم است**. مجازات فی نفسه فاقد ارزش است. **بهترین مجازات را مجازات زندان پیشنهاد نمودند** با توجه به اینکه **اجرای مجازات دارای هزینه‌ای برای جامعه است چنانچه فایده آن بیشتر از هزینه آن نباشد باید از آن دست کشید. (بنتام)**

▪ **مجازات دارای دو ارزش است: ارزش ظاهری و واقعی.**

☑ ارزش واقعی کیفر، رنجی است که مجرم در اجرای کیفر (مجازات) تحمل می‌نماید.

☑ ارزش ظاهری رنج احتمالی است که مجرمان بالقوه با دیدن اجرای آن احساس می‌نمایند. (بنتام)

راه افراط این مکتب در برقراری مجازات‌های ملایم، رأفت فوق العاده هیات‌های منصفه در بی گناه شناختن برخی مجرمان و افزایش جرم، گسترش عدم امنیت، عدم زندان کافی برای مجازات‌های سالب آزادی و عدم توجه به میزان مسئولیت‌های اخلاقی مجرمان و تعیین مجازات‌های ثابت امری غیر عادلانه و نامناسب تلقی شد. این موارد زمینه را برای ایجاد ایده مجازات‌های عادلانه فراهم نمود و سرآغاز نظریه جدید به نام مکتب عدالت مطلق گردید.

اشکالات مکتب فایده اجتماعی

افراط در برقراری مجازات‌های ملایم
 هیات‌های منصفه در بی‌گناه شناختن برخی مجرمان و افزایش جرم
 گسترش عدم امنیت
 عدم زندان کافی برای مجازات‌های سالب آزادی
 عدم توجه به میزان مسئولیت‌های اخلاقی مجرمان

کدینگ: سزایینی که جرمی در پی دارد؛ فایده‌ای ندارد.

سزایین: اشاره به سزار بکاریا جرمی: اشاره به جرمی بنتام فایده‌ای: مکتب فایده اجتماعی

مکتب عدالت مطلق

به صورت خلاصه به این صورت می‌توان بیان کرد که:

امانوئل کانت، هگل و دومستر بانیان این مکتب هستند. آنان معتقدند هدف از اجرای مجازات، **اجرای عدالت است.** عدالت تنهاترین چیزی است که به زندگی انسان ارزش می‌بخشد. موضوع کیفر اعاده نظم اخلاقی مختل شده‌ای است که به وسیله جرم ایجاد شده است.

در اعمال مجازات اصولی را طراحی کردند که بشرح ذیل بیان می‌گردد:

✓ مکتب عدالت مطلق برای جامعه نظم اخلاقی تصور می‌کند هر اقدامی که موجب اخلاق و تزلزل این نظم گردد؛ باید اعاده

شود و **مجازات باید متناسب با شدت جرم باشد. (قانون قصاص)**

✓ مجازات وسیله جبران اخلاق در نظم اخلاقی جامعه است و با مجازات اخلاق به وجود آمده اعاده می‌گردد. تنها وسیله

اجرای عدالت، مجازات است مجازات مجرم نباید وسیله نفع و سود جامعه باشد.

مجازات **مکافات عمل است** کیفر برای ارضای اخلاق است. هر کیفری در مقابل تعدی یا تجاوز خطاکار تحمیل می‌شود. کیفر درمان کننده و نجات بخش است.

۱- کانت:

کانت معتقد است چون مجرم مرتکب کار بدی شده است باید به مجازات برسد و دو مثال معروف دارد:

مثال دانشکده پزشکی: اگر از طرف دانشکده پزشکی پیشنهاد شود که مجرمی را که به مرگ محکوم شده با موافقت وی برای انجام آزمایش‌های خطرناک و کالبد شکافی به دانشگاه بسپارند چه جوابی خواهیم داشت؟ پاسخ می‌دهد که چنین پیشنهادی با تمسخر رد خواهد شد؛ زیرا عدالت را نمی‌توان با هیچ عوضی به معامله پایاپای گذاشت چون در غیر اینصورت عدالتی باقی نخواهد ماند.

مثال جزیره متروک (سابقه آزمون دارد): فرض کنید ساکنین یک جزیره که در حال ترک آن محل می‌باشند در بین خود

مجرمی دارند که محکوم به اعدام است حال آیا باید وی را به دلیل اینکه از آن جامعه طرد شده و دیگر اعدام او برای جامعه نفعی ندارد از مجازات رساندن وی خودداری نمود؟ یا اینکه مجازات هدف دیگری را دنبال می‌کند؟

کانت اعتقاد به اجرای مجازات در این مورد دارد و می‌گوید هر کسی باید سزای عمل خویش را ببیند و دیگر اینکه خون ریخته شده دامان مردمانی را که خواهان کیفر نبوده‌اند را خواهد گرفت و آنان شریک جرم به حساب خواهند آمد. از نظر کانت عدالت باید اجرا شود و عدالت مطلق و خوب چنین مجازات‌ها را ضروری می‌داند.

دو اثر کانت عبارت است از: نقد عقل محض و عقل عملی / ارکان ما بعدالطبیعه

اصول فکری کانت:

✓ اعتقاد به اراده آزاد و مختار انسان

✓ موافقت با مجازات اعدام و مجازات‌هایی که عدالت را برقرار می‌سازد.

- موافقت با اصل قصاص
- هدف از کیفر اجرای عدالت محض است نه فایده اجتماعی آن (مثال جزیره متروک)
- مخالفت با نظریه اصالت سودمندی بنتام (یعنی فقط اصول اخلاقی ملاک است نه نفع و ضرر)
- اخلاق به عنوان پایه اعتقادات کانت. **محدوده اخلاق و قانون یکی است** سرقت برای کمک به فقیر اخلاقی است و جرم نیست.
- قاعده تناسب بین مجازات و خطا
- فقدان مسئولیت کیفری مجانین و اطفال
- جرم عملی خلاف نظم اخلاقی است و مجازات رنج و سختی است برای اعاده نظم اخلاقی در جامعه

کدینگ: اختصاص کافی نت در جزیره بدون شهروند که متروکه مطلقاً عادلانه نیست.

مطلقاً عادلانه: اشاره به مکتب عدالت مطلق کافی نت: کانت

۲- ژوزف دومستر

این فیلسوف فرانسوی به مفهوم جبر و سرنوشت جبری انسان اعتقاد داشت از نظر وی رفتار و کردار انسان را مستقیماً قضا و قدر یعنی علم و اراده الهی پدید می‌آورد و انسان از خود اراده و اختیاری ندارد. پروردگار در تمام شئون زندگی اجتماعی و سیاسی حاضر است پادشاهان و حکمرانان به نمایندگی از طرف خدا اعمال حاکمیت و اجرای عدالت می‌کنند و چنین کسی نمی‌تواند اشتباه نماید مگر در ظاهر.

ایشان با قبول اشتباهات قضایی می‌گوید «گرچه ممکن است گاهی چنین اشتباهاتی اتفاق افتد ولی می‌توان این مجازاتها را نتیجه جرائم و گناهان قبلی متهم که کشف نگردیده و مورد تعقیب قرار نگرفته‌اند دانست»

به علاوه وی **معتقد به اصل انتقال مسئولیت از نسلی به نسل** دیگر می‌باشد. دومستر در این خصوص چنین اظهار نظر می‌نماید که بعید نیست گناه پدران دامن گیر فرزندان شود و فرزندان کفاره گناهان پدران خود را بپردازند. در مورد اشتباهات قضایی نیز امکان دارد که این اشتباهات نتیجه جرائم والدین متهم باشد که اینک فرزندان نتیجه آن را متحمل می‌شوند. او مخالف هدف فایده اجتماعی مجازات می‌باشد و معتقد است حتی اگر برای مجازات فایده‌ای هم تصور نباشد باید اجرا شود.

مثال: اگر قرار باشد چند لحظه بعد کل دنیا از بین برود؛ اشخاص باید محاکمه شوند صرف نظر از از بین رفتن دنیا آن افراد باید محاکمه شوند هر چند با از بین رفتن دنیا آنها هم نبود خواهند شد این لازمه عدالت است زیرا صبر کردن برای اینکه همه افراد به یک نحو بمیرند عدالت نیست و عین بی‌عدالتی است. ایشان به امور و اصول مذهبی **بیشتر از حقوق فردی** اهمیت می‌دهد.

اصول فکری دومستر:

- اعتقاد به اینکه پاپ و فرمانروایان جانشین خدایان بر روی زمین هستند و به همین دلیل حق مجازات دارند و چنین کسانی نمی‌توانند اشتباه کنند مگر در ظاهر
- اعتقاد به جبر الهی و عدم اختیار و آزادی انسانها و عدالت مطلق بر مبنای تعبد محض (بر خلاف کانت)
- او جرم را گناه و مجازات را کفاره گناه می‌داند
- موافقت با مجازات شدید و مخالفت با عفو یا هر عاملی که از قطعیت مجازاتها بکاهد زیرا سبب عدم اجرای عدالت می‌شود
- عدم مسئولیت کیفری اطفال و مجانین
- توجیه اشتباهات قضایی بر این مبنا که اشتباهات قضایی مجازات گناهان آشکار نشده متهم می‌باشد یا مجازات گناهان نسلهای قبلی است که به نسل فعلی منتقل می‌شود.
- عدالت ایجاب می‌کند مجازات در هر صورت حتی اگر قرار باشد چند لحظه مجرم بعد دنیا از بین برود اجرا شود و لازم نیست سود و منفعتی در آن باشد (مخالفت با اصالت نفع بنتام)

نکته: مکتب فایده اجتماعی علیرغم نکات مثبت بسیاری که داشت افراط کاری باعث ناکامی‌های آن گردید به طوری که مکتب عدالت مطلق به مخالفت با افراط کارهای آن پرداخت به طوری که تا جایی پیش رفت که خود به عنوان یک مکتب افراطی و نه یک مکتب اصلاحی قلمداد گردید.

خودسنجی

سوال کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۳: کدام اندیشمند با دادن اختیار تفسیر قوانین کیفری به قضات، به شدت مخالف بود؟

(۲) گارفالو

(۱) بکاریا

(۴) فری

(۳) آنسل

گزینه ۱ صحیح است.

سوال شبیه ساز: قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها نتیجه کدام مکتب است؟

(۲) دفاع اجتماعی

(۱) تحققی

(۴) عدالت مطلق

(۳) کلاسیک

گزینه ۳ صحیح است. اولین بار این اصل توسط بکاریا و در مکتب کلاسیک مطرح شد.

سوال دکتری سال ۱۳۹۲: بکاریا و بنتام:

(۱) از پیروان اندیشه کانت بوده‌اند.

(۲) از طرفداران نظریه بازدارندگی مجازات‌ها هستند.

(۳) مجازات با هدف انتقامی را رد کرده‌اند.

(۴) تحت تأثیر عقاید لمبروزو قرار داشته، با تقسیم بندی مجرمان، از اندیشه سزاه‌گرایی و بازدارندگی توأمان دفاع کرده‌اند.

سزایکاریا و جرمی بنتام از پیشگامان مکتب فایده اجتماعی به شمار می‌آیند و قائل به نظام پیشگیرانه یا بازدارنده‌گی مجازات می‌باشند. به طور کلی بازدارندگی جنایی، مربوط به اصل پیشگیری از جرم است: هرگونه ابزاری که در جهت پیشگیری از جرم عمل کند، بازدارنده تلقی می‌شود.

گزینه ۲ صحیح است.

سوال دکتری سال ۱۳۹۷: مثال «جزیره متروکه»، توسط کدام دانشمند و در کدام مکتب حقوق کیفری مطرح شده است؟

(۲) کانت - نئوکلاسیک

(۱) بنتام - دفاع اجتماعی

(۴) کانت - عدالت مطلق

(۳) بنتام - فایده اجتماعی

امانوئل کانت (۱۸۰۴ - ۱۷۲۴م) فیلسوف آلمانی است و از پایه‌گذاران عدالت مطلق به شمار می‌آید؛ بزه از نظر کانت پدیده‌ای است زیانبخش و بزه‌کار کسی است که دستورهای اخلاقی را زیر پا می‌گذارد در نتیجه نظم اخلاقی جامعه را دستخوش آشفتگی می‌کند. کانت برای ضرورت بی‌چون و چرای کیفر و پیشگیری از عواقب وخیم عدم اجرای آن، کانت به تمثیل جزیره متروکه متوسل می‌شود و می‌نویسد: «اگر جامعه مدنی با تمایل و رضایت افراد آن فرو می‌پاشید (مرزهایی را تصور کنید که در جزیره‌ای ساکن هستند و تصمیم می‌گیرند از یکدیگر جدا شوند و در دنیای دیگر پراکنده شوند) نخست؛ آخرین آدمکشی که در زندان به سر می‌برد باید به کیفر برسد: یعنی هر چند کیفر آدمکش فایده اجتماعی نخواهد داشت چون دیگر، کسی در آن جزیره متروکه زندگی نمی‌کند و همه آنجا را ترک می‌کنند ولی مجرم باید کیفر ببیند چون نظم اخلاقی را زیر پا گذارده و مستحق عذاب است و در هر حال عدالت باید اجرا شود.»

گزینه ۴ صحیح است.

سوال دکتری سال ۱۳۹۵: اگر اعتقاد بر آن باشد که مجازات کردن مجرم در هر صورت، به علت ارتکاب جرم ضروری است

و نباید اعمال کیفر را منوط به آثار مفید برای آن نمود. این امر با نظر کدام یک از اندیشمندان زیر، هماهنگ است؟

(۲) روسو

(۱) کانت

(۴) کاروفالو

(۳) گرامانیکا

کانت، مطلقاً طرفدار اعمال کیفر بر مجرم بوده و فارغ از فایده اجتماعی داشتن یا نداشتن کیفر، معتقد بود حتی اگر مرتکب جرم تنها شخص در جزیره ی متروکی باشد، باید مجازات شود.

گزینه ۱ صحیح است.

و

و

و

و

مجازات‌های تکمیلی

ماده ۲۳ در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مرتبط با مجازات تکمیلی است:

«دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی زیر محکوم نماید:

الف- اقامت اجباری در محل معین ب- منع از اقامت در محل یا محلهای معین پ- منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین ت- انفصال از خدمات دولتی و عمومی ث- منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری ج- منع از داشتن دسته چک و یا اصدار اسناد تجارتي چ- منع از حمل سلاح ح- منع از خروج اتباع ایران از کشور خ- اخراج بیگانگان از کشور د- الزام به خدمات عمومی ذ- منع از عضویت در احزاب، گروهها و دستجات سیاسی یا اجتماعی ر- توقیف وسایل ارتكاب جرم یا رسانه یا مؤسسه دخیل در ارتكاب جرم ز- الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین ژ- الزام به تحصیل س- انتشار حکم محکومیت قطعی

تبصره ۱- مدت مجازات تکمیلی بیش از دو سال نیست مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید.

تبصره ۲- چنانچه مجازات تکمیلی و مجازات اصلی از یک نوع باشد، فقط مجازات اصلی مورد حکم قرار میگیرد.

تبصره ۳- آیین نامه راجع به کیفیت اجرای مجازات تکمیلی ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه میرسد.^۱

مجازات تکمیلی مجازات‌هایی است که در کنار **مجازات‌های اصلی یا بدلی** به منظور تنبیه بیشتر محکوم علیه یا تأثیر بیشتر مجازات، وضع شده است. این دسته از مجازات‌ها دو بخش هستند:

۱. بخشی از آن‌ها اجباری‌اند؛

۲. و بخشی اختیاری. (دکتر اردبیلی)

هر چند که در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مورد مجازات‌های تکمیلی از واژه «می‌تواند» استفاده کرده است؛ **اما این مجازات‌ها همیشه اختیاری نیست** بلکه در برخی از موارد دادگاه مجبور است که افزون بر مجازات اصلی، مجازات دیگری که مکمل مجازات یا حکم اصلی است در نظر بگیرد. **آنها برای در برابر مجازات تکمیلی اختیاری مجازات تکمیلی اجباری قرار دارد (دکتر اردبیلی):**

الف- مقصود از مکمل اجباری آن دسته از مکمل‌هایی است که قانونگذار صریحاً برای جرم خاصی پیش بینی نموده باشد، مثلاً مقنن در رابطه با حد قوادی در ماده ۱۳۸ ق.م.ا می‌گوید: "حد قوادی برای مرد ۷۵ ضربه تازیانه و تبعید از محل به مدت سه ماه تا یک سال است ولی برای زن تنها ۷۵ تازیانه است." در واقع حد قوادی همان ۷۵ ضربه تازیانه است و برای مرد مکمل نیز ملحوظ شده است. ممکن است مجازات تکمیلی اجباری به صورت حالت باشد. مثلاً در رابطه با مجازات محارب، قانونگذار در ماده ۱۹۰ ق.م.ا، قتل، آویختن به دار، قطع دست و پا و نفی بلد به عنوان مجازات محارب بیان نموده است. ولی در ماده ۱۹۳ ق.م.ا می‌گوید: "محاربی که تبعید می‌شود باید تحت مراقبت قرار گیرد و با دیگران معاشرت و مراوده نداشته باشد." قطع مراوده با دیگران نوعی مجازات تکمیلی اجباری حالت است که غالباً به معنای تبعید در زندان خواهد بود. یعنی در محل تبعیدگاه به صورت محبوس نگهداری خواهد شد.

ب- مجازات‌های تکمیلی اختیاری سه دسته‌اند:

- ۱- محکوم‌های اجتماعی (مثل ممنوعیت انتخاب به عنوان رئیس جمهور، ممنوعیت رانندگی، ابطال پروانه کسب خاصی و...)
- ۲- اقامت اجباری در محل خاص
- ۳- منع اقامت در محل خاص.

فرض آن است که در زمانی دادگاه اقدام به تعیین مجازات تکمیلی می‌نماید که مجازات اصلی کافی نباشد. (دکتر سبزواری نژاد) این نکته را نیز باید مدنظر قرار داد که **منظور از مجازات اصلی** آن است که:

^۱- توجه: برای آزمون متن ماده ۲۳ مطالعه شود؛ مهم است.

^۲- به نظر برخی از حقوقدانان مجازات‌های تکمیلی همیشه اختیاری هستند؛ (دکتر صانعی) این نظر آزمون نیست.

«مجازاتانی که برای ارتکاب جرم در قانون پیش بینی شده و دادگاه مکلف به ذکر آن در حکم بوده، مجازات اصلی می‌باشد. (مطابق نظریه اداره حقوقی مورخ ۱۳۹۳/۱/۱۸)»

ذکر این نکته لازم است که مجازات تکمیلی به تنهایی حکم داده نمی‌شود و همواره باید با یک مجازات اصلی همراه باشد. البته باید دقت داشت که مجازات های مقرر در بندهای ۱۵ گانه ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ **حصری هستند** که به معنای این است که دادگاه لزوماً باید مجازات تکمیلی را از میان ۱۵ بند مذکور انتخاب نماید و حق تعیین مجازات تکمیلی از نوع دیگری را ندارد.^۱ (دکتر شمس ناتری)

مجازات های تکمیلی برخلاف مجازات های تبعی **باید در دادنامه ذکر شود**.^۲ البته در مورد درجه جرم تعزیری با وجود همزمانی کیفر اصلی و تکمیلی قاضی **باید ابتدا** مجازات اصلی را تعیین کند و **در مرحله بعد** امکان تعیین کیفر تکمیلی را بر اساس مجازات تعیین شده در دادنامه بررسی کند و نه صرف مجازات اعلام شده در قانون.

نکته: از مصادیق مجازاتهای تکمیلی اجباری می توان به ضبط اموال ناشی از تكدی و كلاشی / ضبط و مصادره تجهیزات دریافت از ماهواره ضبط وسیله نقلیه حامل بیش از ۲۰ لیتر مشروب / ابطال گذرنامه و ممنوع الخروج نمودن محکومان و ضبط خودرو اشاره کرد.

نکته: مجازاتهای تکمیلی هم در جرائم عمدی و هم در جرائم غیرعمدی اعمال می‌شود؛ برخلاف تبعی که فقط در عمدی است. البته باید دقت داشت که از لحاظ گستره در جرایم عمدی و غیرعمدی، **فقط در حدود، قصاص و تعزیر درجه ۱ الی ۶** مورد حکم قرار می گیرد. بنابراین در صورت محکومیت به **دیه یا کیفری تعزیری درجه هفت و هشت** حکم به تعیین کیفر تکمیلی امکان ندارد. (**مهم است**) به موجب ماده ۲۳ ق.م.ا، دادگاه می‌تواند کسی را که به علت ارتکاب جرم عمدی به تعزیر یا مجازات بازدارنده محکوم کرده است، به عنوان متمیم مجازات مدتی از حقوق اجتماعی محروم و نیز از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع یا به اقامت در محل معین مجبور نماید. بر اساس این بیان، کسی که به خاطر جرم کلاهبرداری که مجازات آن یک تا هفت سال زندان است به حبس محکوم شده باشد، دادگاه می‌تواند (مختار است) به تناسب شخصیت محکوم علیه یا آثار اجتماعی جرم وی، مجازات‌های تکمیلی نیز درباره وی اعمال نماید.

نکته: قاضی در مورد جرمی که مجازات قانونی آن تا ۲ ماه حبس است، می‌تواند محکوم را **تنها به یک مجازات از مجازات های تبعی محکوم کند**.

نکته: در صورتی که مجازات تکمیلی و اصلی از یک نوع باشند؛ دادگاه فقط نمی‌تواند او را به همان مجازات تکمیلی محکوم کند؛ اما تعیین مجازات تکمیلی دیگر ایراد ندارد.

مثال: اگر شخصی به انتشار حکم محکومیت قطعی به عنوان مجازات اصلی محکوم شده باشد دادگاه نمی‌تواند همین مجازات را به عنوان مجازات تکمیلی برای او در نظر بگیرد ولی می‌تواند **مجازات تکمیلی دیگری** برای او در نظر بگیرد.

نکته: امکان اعمال مجازاتهای تکمیلی در تعزیرات منصوص شرعی نیز وجود دارد؛ زیرا اولاً ماده ۲۳ ق.م.ا اطلاق دارد و تعزیر را منحصر در تعزیر غیر منصوص نکرده است ثانیاً محدودیت هایی که برای تعزیر منصوص وجود دارد در تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا بیان شده است و در آنجا ممنوعیتی برای اعمال مجازات تکمیلی در کنار مجازات تعزیری منصوص وجود ندارد. (دکتر عباس زراعت) (**مهم است**)

نکته: مجازات تکمیلی و تبعی برای مشمولین عوامل رافع مسئولیت کیفری مانند صغار و مجانین منتفی است.

^۱ - به این نکته جهت یادگیری آزمونی دقت کنید: البته مجازات های تکمیلی به آنچه در ماده ۲۳ ق.م.ا منحصر گردیده محدود نیست. قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ نیز مجازات های تکمیلی خاصی مقرر کرده است که بیشتر با وضع کارکنان نیروهای مسلح متناسب است مانند اضافه خدمت یا تنزیل درجه - به همین ترتیب در ماده ۲۰ قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان مصوب ۱۳۸۸ آمده است: مراجع ذی صلاح رسیدگی کننده می توانند علاوه بر مجازات های مقرر قانونی، عرضه کنندگان کالا و خدمات یا تولیدکنندگان و فروشندگان را مجبور به جمع آوری کالاهای عرضه شده به منظور تعمیر و اصلاح و رفع عیب کالای فروخته یا خدمات عرضه شده نمایند. این نوع از کیفر تکمیلی در واقع لزوم به انجام وظایف شغلی و حرفه ای اصناف است که تامین کننده حقوق مصرف کنندگان می باشد.

^۲ - به این نکته جهت یادگیری آزمونی دقت کنید: ماده ۱۵ قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲ مجازات ها و اقدامات تامینی را به شرح زیر قرار داده بود. این مجازات ها و اقدامات تامینی و تربیتی در صورتی که در حکم دادگاه قید می شدند تکمیلی نام می گرفتند و در مواردی که بدون قید در حکم دادگاه بودند؛ تبعی نامیده می شدند. (دکتر نوربها)

نکته: در مورد موارد معاذیر قانونی با معافیت مرتکب جرم از مجازات اصلی دادگاه مستند به مواد ۲۳ و ۲۴ ق.م.ا می‌تواند مبادرت به تعیین مجازات های تکمیلی نماید. (دکتر گلدوزیان)

ضمانت اجرای حکم تبعید (مثلاً اقامت اجباری به مدت سه سال در شهرستان زابل) تدابیری است که دادگاه در رأی خود ذکر می‌کند، مثل معرفی روزانه به نیروی انتظامی. هرگاه کسی از تبعیدگاه فرار نماید دادگاه می‌تواند به پیشنهاد دادسرای مجری حکم (زابل)، مجازات تبعید را به زندان یا جریمه تبدیل کند.

مجازات تکمیلی و تبعی مخصوص اشخاص حقیقی است و اشخاص حقوقی را شامل نمی‌شود. اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی که عبارت «فرد» را در ماده ۲۳ ذکر نموده است نیز همین برداشت را به ذهن متبادر می‌نماید. در اعمال مجازات های تکمیلی (همانند تبعی) ملاک مجازات قضایی (مجازات در دادنامه) است.

مطابق ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲:

«چنانچه محکوم طی مدت اجرای مجازات تکمیلی، مفاد حکم را رعایت ننماید، دادگاه صادرکننده حکم به پیشنهاد قاضی اجرای احکام برای بار اول مدت مجازات تکمیلی مندرج در حکم را تا یک سوم افزایش میدهد و در صورت تکرار، بقیه مدت محکومیت را به حبس یا جزای نقدی درجه هفت یا هشت تبدیل می‌کند. همچنین بعد از گذشتن نیمی از مدت مجازات تکمیلی، دادگاه می‌تواند با پیشنهاد قاضی اجرای احکام در صورت اطمینان به عدم تکرار جرم و اصلاح مجرم، نسبت به لغو یا کاهش مدت زمان مجازات تکمیلی وی اقدام کند.»

در صورتی که پرونده در دادگاه تجدید نظر مطرح شود و منتهی به صدور حکم شده باشد تبدیل مجازات اقامت اجباری یا ممنوعیت از اقامت در محلی به جزای نقدی یا حبس موضوع ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ **از اختیار دادگاه تجدیدنظر است**، مجازات جزای نقدی یا حبسی که در اجرای قسمت اخیر ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی تعیین می‌شود مجازاتی است بدلی و این مجازات در قانون قابل تجدید نظر شناخته نشده است.

مطابق منطوق رای وحدت رویه‌ای که در زمینه مجازاتهای تکمیلی وجود دارد:

در موارد خاص و ضروری و با موافقت دادگاه محکوم به اقامت اجباری می‌تواند محل اقامت خود را ترک کند.

و در نهایت اینکه:

مجازات های تکمیلی قابل تخفیف یا قابل سقوط نیز هستند که دارای شرایطی است:

۱. مرجع اعمال تخفیف: با پیشنهاد دادگاه اجرای احکام توسط دادگاه صادر کننده حکم
۲. زمان اعمال تخفیف: حداقل یک دوم از مدت مجازات تکمیلی گذشته باشد.
۳. میزان تخفیف: لغو کامل بقیه مدت و یا کاهش مدت زمان آن
۴. شرایط اعمال تخفیف: اطمینان به عدم تکرار جرم و اصلاح جرم

تفاوت بین مجازات تکمیلی و مجازات تبعی

تفاوت بین مجازات تکمیلی و مجازات تبعی عبارت است از:

۱. مجازات تبعی همواره اجباری است ولی مجازات تکمیلی غالباً اختیاری است.
۲. مجازات تکمیلی بدون ذکر در رأی دادگاه قابلیت اجرا ندارد ولی مجازات تبعی به طور قهری بر محکومیت شخص مترتب است و نیازی به ذکر در رأی نیست.
۳. مدت مجازات تکمیلی: ۲ سال بوده و بیشتر از آن نیست. (تبصره ۱ ماده ۲۳ ق.م.ا) مدت محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی متناسب با مجازات اصلی مندرج در حکم قطعی کیفری (ماده ۲۵ ق.م.ا)

نکته مهم: در صورت عدم رعایت مفاد حکم به مجازات تکمیلی برای بار دوم امکان تعیین حبس کمتر از سه ماه وجود ندارد. (سوال کارشناسی ارشد):

سوال کارشناسی ارشد سراسری سال ۹۷: در کدام مورد، امکان تعیین حبس کمتر از سه ماه وجود ندارد؟

- (۱) ارتکاب جرمی که مجازات قانونی آن، تا سه ماه حبس است.
 - (۲) تخلف از مجازات جایگزین حبس درجه ۸ برای بار دوم
 - (۳) عدم رعایت مفاد حکم به مجازات تکمیلی برای بار دوم
 - (۴) تخفیف سه درجه ای حبس درجه ۵
- گزینه ۳ صحیح است.

خلاصه نکات مهم مربوط به مجازات های تکمیلی

- اصولاً مجازات های تکمیلی از اختیارات قاضی صادر کننده حکم است در حالی که مجازات های تبعی اجباری می باشد. (ماده ۲۳ ق.م.ا) ضمناً دادگاه می تواند به یک یا چند مورد از مجازات های موضوع ماده ۲۳ حکم دهد.
- اما استثنائاً در مواردی مجازات تکمیلی اجباری نیز وجود دارد؛ مانند ماده ۶ قانون مبارز مالی با تروریسم مصوب ۱۳۹۴
- مجازات های تکمیلی باید در حکم قید شود و قاضی در موقع صدور حکم اصلی به مجازات تکمیلی هم حکم می دهد. (برخلاف مجازات های تبعی که نیاز به قید در حکم نیست)
- اصل تفرید یعنی رعایت خصوصیات فردی محکوم در مورد اعمال مجازات های تکمیلی باید رعایت شود. ضمناً مجازات های تکمیلی هیچگاه به تنهایی مورد حکم قرار نمی گیرد.
- مجازات تکمیلی موضوع ماده ۲۳ حصری است و قاضی نمی تواند موارد دیگری به آن اضافه کند؛ اما ممکن است مجازات تکمیلی مطابق قانون خاص باشد؛ مانند ماده ۱۵ قانون جرائم نیروهای مسلح
- حداکثر مدت مجازات تکمیلی سه سال است؛ مگر در قانون نحوه دیگری مقرر شده باشد (تبصره ۱ ماده ۲۳). ضمناً با توجه به صدر ماده ۲۳ که بیان می دارد «... یک یا چند مورد...» به نظر می رسد بتوان مجازات های تکمیلی ماده ۲۳ و دیگر قوانین مانند ماده ۱۵ قانون جرائم نیروهای مسلح و یا ماده ۷۱۸ تعزیرات را توأماً مورد حکم قرار داد؛ مگر اینکه هر دو مجازات از یک نوع باشند.
- اگر محکوم در زمان اجرای مجازات تکمیلی از دستورات دادگاه سرپیچی کند؛ در این صورت دادگاه صادر کننده حکم پیشنهاد می کند که: اگر عدم رعایت برای بار اول باشد؛ مدت مجازات تکمیلی را تا یک سوم افزایش دهد و اگر برای بار دوم باشد؛ بقیه مدت به حبس یا جزای نقدی درجه ۷ یا ۸ تبدیل کند (ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی)
- دادگاه تجدیدنظر حق تعیین مجازات تکمیلی را ندارد؛ چرا دادگاه تجدیدنظر اجازه تشدید ندارد؛ مگر اینکه حکم بدوی را به طور مستدل نقض کند و حکم جدید صادر نماید.
- اگر مجازات اصلی مورد تخفیف یا تعلیق قرار گیرد؛ اصولاً تاثیری بر مجازات تکمیلی ندارد چرا که این اقدامات ماهیتی پیش گیرنده دارند.^۱
- در صورت هم نوع بودن مجازات اصلی و تکمیلی فقط مجازات اصلی مورد حکم قرار می گیرد.
- اگر برای جرمی مجازاتی مقرر شده باشد که از نوع تکمیلی است طبق تبصره ۲ ماده ۲۳ ق.م.ا فقط همین مجازات اعمال خواهد شد و دادگاه دیگر نمی تواند مجازات های تکمیلی دیگری را نیز اعمال نماید. (مثلاً اگر انفصال از خدمت دولتی مدنظر باشد دادگاه نمی تواند انفصال از کلیه خدمات دولتی و حتی عمومی غیردولتی را اعمال نماید)
- منظور از بند پ ماده ۲۳ ق.م.ا «منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین» منع از اشتغال به کار آزاد است.
- مطابق نظریه اداره حقوقی مورخ ۱۳۹۲/۸/۱۸ دادگاه نمی تواند به عنوان متمیم مجازات محکوم علیه را از مرخصی محروم کند اما اگر چنین حکمی صادر شده باشد؛ متعاقباً دادگاه نمی تواند از حکم سابق خود عدول نماید.
- مطابق نظریه اداره حقوقی مورخ ۹۲/۷/۳۰ تعیین مجازات تکمیلی با تجمیع احکام کیفری موضوع ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی ۹۲ مغایرت ندارد.
- مطابق نظریه اداره حقوقی مورخ ۹۲/۸/۱۲ تاریخ احتساب انفصال بعد از قطعیت حکم و ابلاغ توسط سازمان مربوطه شروع می شود و ایام بازداشت قبلی و تعلیق قبل از قطعیت حکم تاثیری در آن ندارد.
- مطابق تبصره ۵ ماده ۳ آیین نامه راجع به نحوه اجرای مجازات های تکمیلی موضوع ماده ۲۳ ق.م.ا شروع محکومیت اقامت اجباری از روز حضور در محل و یا حضور وی از طریق اعزام احتساب خواهد شد.
- اجرای حکم انفصال از خدمات دولتی و عمومی «به عنوان مجازات تکمیلی» با بالاترین مقام دستگاه اداری خواهد بود.
- از جمله موارد مجازات های تکمیلی که مدت آن برخلاف تبصره ۱ ماده ۲۳ ق.م.ا بیش از ۲ سال تعیین شده است؛ ماده ۷۱۸ قانون تعزیرات مصوب ۷۵ می باشد که در جنایات غیر عمد ناشی از تخلفات رانندگی با موارد خاص مقرر در ماده ۷۱۸ ق.م.ا حداکثر مدت محرومیت از حق رانندگی را پنج سال تعیین کرده است.

^۱ - نظرات مخالف در این خصوص وجود دارد.

□ به موجب ماده ۶ قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴: دادگاه مکلف است علاوه بر مجازات های مقرر در ماده ۲ آن قانون، مرتکب را متناسب با جرم ارتكابی حداکثر به دو مورد از مجازات تکمیلی محرومیت از حقوق اجتماعی مطابق ق.م.ا محکوم نماید.

□ در صورت ارتکاب جرایم موضوع این قانون توسط شخص حقوقی طبق مقررات قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ اقدام می‌شود. مطابق ماده ۹ قانون حمایت از آمران و ناهیان از منکر چنانچه اشخاص حقوقی مانع اقامه امر به معروف و نهی از منکر شوند علاوه بر محکومیت اداری حسب مورد به مجازات بند پ ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند.

□ مجازات های تبعی

ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ درباره مجازات های تبعی است:

« محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می کند:

الف- هفت سال در محکومیت به مجازات های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی
ب- سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار

پ- دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج

تبصره ۱- در غیر موارد فوق، مراتب محکومیت در پیشینه کیفری محکوم درج می شود لکن در گواهی های صادره از مراجع ذیربط منعکس نمی گردد مگر به درخواست مراجع قضائی برای تعیین یا بازنگری در مجازات

تبصره ۲- در مورد جرائم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، اجرای مجازات موقوف شود اثر تبعی آن نیز رفع می شود.

تبصره ۳- در عفو و آزادی مشروط، اثر تبعی محکومیت پس از گذشت مدتهای فوق از زمان عفو یا اتمام مدت آزادی مشروط رفع می شود. محکوم در مدت زمان آزادی مشروط و همچنین در زمان اجرای حکم نیز از حقوق اجتماعی محروم می گردد.»

این ماده بیان کننده مجازات های تبعی است. مجازات تبعی اثر اجتناب ناپذیر بعضی از محکومیت های اصلی است و خود به خود بعد از اجرای مجازات یا شمول مرور زمان بر بعضی از محکومیت ها بار می‌شود؛

کدینگ: مجازات تبعی، نوعی تحمیل اتوماتیک وار محرومیت اجتماعی به افرادی است که مرتکب جرائم خاصی شده اند.

پس مقصود از مجازات های تبعی عبارت است از مجازات هایی که به طور طبیعی به تبع محکومیت برای محکوم علیه مقرر می‌گردد و **نیازی به ذکر آن در رأی دادگاه نیست** و البته دادگاه برخلاف مجازات های تکمیلی **اختیاری در اعمال کردن یا نکردن آنها ندارد.** به نوعی که این مجازات ها همیشه اجباری هستند؛ مانند آنچه که قانونگذار به عنوان آثار برخی از محکومیت ها آورده است. **(دکتر الهام و دکتر برهانی)** مثلاً قانونگذار در برخی موارد، انفصال از مشاغل دولتی را به عنوان اثر تبعی یک حکم بیان نموده است، در اینگونه موارد محکوم علیه خود به خود از مشاغل دولتی محروم خواهد شد هرچند در رأی دادگاه ذکر نشود. مثلاً قانونگذار در ماده ۵۷۲ ق.م.ا مجازات عدم قبول شکایت محبوسی که به طور غیر قانونی حبس شده است را انفصال دائم از سمت مأموریت مربوطه می‌داند. گاهی نیز این نوع محرومیت را موقت به زمان نموده است. **(دکتر اردبیلی)**

بنابراین در مجازات تبعی، رنج و تعب جدیدی اجرا نمی‌شود بلکه بعضی از حقوقی که متهم پیش از این به عنوان یک شهروند از آن برخوردار بوده برای مدت معینی از وی سلب و محکوم علیه از آن حقوق محروم می‌گردد.

نکته: مجازات تبعی در دادنامه ذکر نمی‌شود. **(دکتر گلدوزیان)**

نکته: بر طبق صدر ماده ۲۵ ق.م.ا مصوب ۹۲ محکومیت قطعی کیفری فقط در جرائم عمدی محکوم علیه را از حقوق اجتماعی محروم می‌کند؛ بنابراین محکومیت کیفری به اتهام جرائم غیر عمدی فاقد آثار تبعی است. بنابراین اگر شخصی مرتکب جرمی شود که جزء جرائم غیر عمدی است و عنصر روانی آن بی احتیاطی و بی مبالاتی است مانند جرائم موضوع ماده ۵۰۶ و ۶۱۶ و ۷۱۴ بخش تعزیرات بعد از صدور حکم قطعی، مجازات تبعی در مورد وی به مرحله اجرا در نمی‌آید.

ذکر این نکته نیز ضروری است که مجازات تبعی **در مورد برخی جرائم عمدی قابل اعمال است؛** بنابراین مجازات تبعی شامل تمامی جرائم عمدی نیست و تنها در خصوص جرائم عمدی که در این ماده بیان شده مجازات تبعی وجود دارد. **(دکتر سبزواری نژاد)** بنابراین موارد ذیل فاقد آثار تبعی هستند:

۱. محکومیت به مصادره اموال

۲. انفصال از خدمات دولتی و عمومی

۳. جزای نقدی با هر میزان**۴. محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات اصلی با هر مدت****۵. کلیه مجازات های تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸****۶. محرومیت های غیر قطعی**

مجازات های تبعی همیشه دارای مدت هستند و این مدت همان است که در ماده ۲۵ ق.م.ا مصوب ۹۲ ذکر شده است.

زمان شروع مجازات تبعی **پس از اجرای حکم^۱ یا شمول مرور زمان محاسبه می شود.** منظور از اصطلاح «پس از اجرای حکم» پس از خاتمه اجرای حکم است.

مثال: اگر شخصی به سه سال حبس محکوم شده باشد پس از تحمل حبس و از روز آزادی مشمول مجازات تبعی و محرومیت های ناشی از آن قرار می گیرد.

منظور از مرور زمان مقرر در ماده ۲۵ ق.م.ا مرور زمان مجازات است یعنی گذشت مدت زمان های مندرج در ماده ۱۰۷ ق.م.ا از تاریخ قطعیت حکم دادگاه می باشد.

مثال: اگر شخصی محکومیت قطعی به جرم تعزیری درجه ۵ پیدا کرد؛ بر اساس بند پ ماده ۱۰۷ ده سال بعد، مشمول مرور زمان مجازات خواهد شد و دیگر مجازات در مورد وی به مرحله اجرا در نخواهد آمد. حال پس از گذشت ده سال محرومیت ناشی از مجازات تبعی آغاز می شود و به استناد بند ۳ ماده ۲۵ به مدت ۲ سال از حقوق اجتماعی مندرج در ماده ۲۶ محروم خواهد شد.

با توجه به تبصره ۳ ماده ۲۵ در آزادی مشروط، مبدا محاسبه مجازات تبعی از تاریخ اتمام آزادی مشروط است و محکوم در دوره آزادی مشروط هم از حقوق اجتماعی محروم خواهد بود.

مثال: اگر شخصی در سال ۱۳۹۵ به شش سال حبس تعزیری محکوم شود و پس از دو سال یعنی در سال ۱۳۹۷ از آزادی مشروط استفاده کند و دادگاه مدت آزادی مشروط وی را سه سال تعیین کند زمان اتمام آزادی مشروط وی سال ۱۴۰۰ خواهد بود و محرومیت وی از این تاریخ محاسبه خواهد شد که وی در دوره آزادی مشروط یعنی بین سال های ۱۳۹۷ الی ۱۴۰۰ نیز از حقوق اجتماعی محروم خواهد بود. در مورد عفو خصوصی نیز آثار تبعی پس از گذشت مدت مقرر از تاریخ عفو بر طرف می شود؛ یعنی عفو خصوصی آثار تبعی مجازات را از بین نمی برد و محکوم از تاریخ شمول عفو از حقوق اجتماعی محروم خواهد شد.

نکته: از آنجا که مجازات تبعی اثر محکومیت قطعی است؛ بنابراین در هر جا که به حکم قانون اثر محکومیت کیفری رفع می گردد؛ همانند نسخ قانون جزا مجازات تبعی هم منتفی خواهد شد.

نکته: در مورد جرایم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، اجرای مجازات موقوف شود اثر تبعی آن نیز رفع می شود. (سوال دکتری دانشگاه آزاد سال ۹۳)^۲

ملاک تعیین مجازات تبعی مجازاتی است که قاضی در دادنامه تعیین می کند نه مجازاتی که در قانون مقرر شده است.

نکته: در محکومیت به مجازات های سالب حیات یا حبس ابد که اجرای آنها متوقف می گردد بدون توجه به نوع مجازات جایگزین میزان و مبدا اجرای مجازات تبعی، هفت سال از تاریخ اتمام مجازات جایگزین می باشد. (دکتر شمس ناتری)

اگر کسی به اتهام زنای به عنف یا اغفال یا اکراه به مجازات اعدام محکوم شود و بعد توبه نماید و توبه او پذیرفته شده و حد ساقط شده و طبق تبصره ۲ ماده ۱۱۴ ق.م.ا مصوب ۹۲ به شلاق تعزیری درجه شش محکوم شود؛ هفت سال از تاریخ توقف حکم اعدام از حقوق اجتماعی محروم خواهد بود.

در جرم قتل عمدی مستوجب قصاص نفس با توجه به اثر گذشت اولیای دم در مراحل مختلف رسیدگی و اجرای حکم، وجود یا عدم وجود جهات تخفیف مجازات؛ صور ذیل قابل تصور است:

- نه صدور حکم قطعی

^۲ - سوال دکتری دانشگاه آزاد سال ۹۳ - در جرایم قابل گذشت:

(۱) در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی خصوصی، اجرای مجازات موقوف شود؛ اثر تبعی آن نیز رفع می شود.

(۲) در صورتی که پس از صدور حکم قطعی، با گذشت شاکی خصوصی، اجرای مجازات موقوف شود؛ اثر تبعی به قوت خود باقی است.

(۳) در صورتی که پس از صدور حکم قطعی، با گذشت شاکی خصوصی، اجرای مجازات موقوف شود؛ اثر تبعی مجازاتهای درجه پنج تا هشت نیز رفع می شود.

(۴) در صورتی که پس از صدور حکم قطعی، با گذشت شاکی خصوصی، اجرای مجازات موقوف شود؛ اثر تبعی مجازاتهای درجه هفت و هشت رفع می شود.

گزینه ۱ صحیح است.

۱- گذشت اولیای دم پس از صدور حکم محکومیت قطعی بر قصاص نفس و در مرحله اجرای حکم به نظر می رسد محکوم علیه مشمول بند الف ماده ۲۵ ق.م.ا باشد. در این فرض پرونده جهت اصلاح حکم به دادگاه صادر کننده حکم قطعی ارسال می گردد.

۲- گذشت اولیای دم قبل از صدور حکم محکومیت قطعی: **در این حالت سه فرض متصور است:**

اول: دادگاه بر اساس ماده ۶۱۲ تعزیرات متهم را به حبس بیش از پنج تا ده سال محکوم نماید و حکم قطعیت یابد. در این فرض محکوم علیه مشمول بند ب ماده ۲۵ ق.م.ا باشد؛ یعنی سه سال از حقوق اجتماعی محروم می شود.

دوم: دادگاه بر اساس ماده ۶۱۲ ق.م.ا تعزیرات محکوم را به حبس از بیش از دو سال تا پنج سال محکوم نماید و حکم قطعیت یابد؛ در این حالت محکوم علیه مشمول بند پ ماده ۲۵ بوده و دو سال از حقوق اجتماعی محروم می شود.

سوم: دادگاه بر اساس مواد ۶۱۲ ق.م.ا تعزیرات با استناد به ماده ۳۷ ق.م.ا (کیفیات مخفیه) متهم را به دو سال حبس یا کمتر از آن محکوم کند و حکم قطعیت یابد؛ در این حالت محکوم علیه مشمول مجازات تبعی (ماده ۲۵ ق.م.ا) نمی شود.

چنانچه پس از صدور حکم محکومیت قطعی به جهاتی مانند گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم غیر قابل گذشت میان مجازات مندرج در دادنامه قطعی کاهش یابد؛ ملاک برای شمول و احتساب میزان مجازات تبعی کدام است؟ به نظر می رسد ملاک مجازات مندرج در دادنامه قطعی ثانوی باشد؛ زیرا برخلاف موارد مندرج در بخش الف ماده ۲۵ ق.م.ا که نص صریح دارد؛ در این فرض تفسیر به نفع متهم و عدم وجود نص مخالف چنین اقتضاء دارد. (دکتر شمس ناتری)

با توجه به تبصره ۱ ماده ۲۵ ق.م.ا اگر شخصی مرتکب جرمی غیر از جرائم مندرج در بندهای سه گانه ماده ۲۵ ق.م.ا بشود برای وی گواهی عدم سوء سابقه صادر خواهد شد و محکومیت قبلی وی در گواهی های صادره درج نخواهد شد. البته عدم درج این محکومیت ها در گواهی های مذکور به معنای حذف محکومیت از پیشینه کیفری نیست و در صورت ارتکاب جرم مجدد؛ مشمول قواعد تکرار جرم خواهد شد. (دکتر اردبیلی)

خلاصه نکات مهم مربوط به مجازات های تبعی

□ زمان شروع مجازات تبعی **پس از اجرای حکم^۱ یا شمول مرور زمان محاسبه می شود.** منظور از اصطلاح «پس از اجرای حکم» پس از خاتمه اجرای حکم است.^۲

□ مجازات تبعی در دادنامه ذکر نمی شود.

□ مجازات های تبعی متعاقب صدور احکام قطعی کیفری تحقق می یابند.

□ ملاک تعیین مدت مجازات تبعی، مجازاتی است که قاضی در دادنامه تعیین می کند نه مجازاتی است که در قانون مقرر شده است.

□ زمان شروع مجازات های تبعی، **بعد از اجرای حکم اصلی یا شمول مرور زمان** بر آن خواهد بود.

□ مجازات های تبعی اختصاص به جرایم عمدی دارد بنابراین در جرایم غیر عمدی یا خطای محض مجازات تبعی وجود نخواهد داشت.

□ این مجازات ها پس از اجرای حکم قطعی کیفری یا پس از شمول مرور زمان اجرای مجازات، در مدت مقرر قانونی محکوم را از

حقوق اجتماعی محروم می کنند. محکوم علیه در زمان اجرای حکم یا مدت زمان آزادی مشروط از حقوق اجتماعی محروم می باشد.

□ مجازات های تکمیلی و تبعی، هر چند هر دو مطابق مقررات قانونی اعمال می شوند اما مجازات های تکمیلی مستلزم درج در حکم و مجازات های تبعی بدون نیاز به درج در حکم، اعمال خواهند شد.

□ مجازات سالب حیات که در بند الف ذکر شده است؛ شامل سه دسته می شود:

۱. اعدام در حدود

۲. اعدام های تعزیری مانند اعدام به خاطر جرایم مواد مخدر

۳. توقف حکم قصاص نفس

□ منظور از قطع عضو در بند ب ماده ۲۵، قطع عضو به عنوان حد است که فقط در دو جرم وجود دارد:

۱. سرقت (ماده ۲۷۸)

۲. محاربه (ماده ۲۸۲)

□ منظور از قصاص عضو با توجه به ماده ۳۸۷ قانون مجازات اسلامی شامل موارد ذیل است:

۳. مجازات جنایت بر عضو مانند قطع عضو

^۱ - نه صدور حکم قطعی

^۲ - در یکی از آزمونها (وکالت سال ۹۴) آمده است: مجازات تبعی در محکومیت به مجازات های سالب حیات و حبس: پس از توقف اجرای حکم اصلی شروع می شود.

۴. جرح

۵. صدمه های وارد بر منفع

□ محو محکومیت از سجل قضایی یا اعاده حیثیت ناشی از حکم قانون بوده و خود به خود انجام می گیرد و احتیاجی به تصمیم قضایی ندارد. مجازات های تبعی با اعاده حیثیت خود به خود از بین می رود ولی در مورد مجازات های تکمیلی یا اقدامات تأمینی مندرج در حکم، اعاده حیثیت وقتی صورت می گیرد که یا مجازات اصلی و تکمیلی اجرا شده باشد یا اینکه مشمول مرور زمان شده باشد.

□ محرومیت از حقوق اجتماعی (مقرر در ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی) در هر سه مجازات اصلی - تبعی و تکمیلی وجود دارد.

نوع مجازات اصلی	مدت محرومیت	مبدا محرومیت از حقوق اجتماعی
در مجازات های سالب حیات	۷ سال	از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی
در مجازات های حبس ابد	۷ سال	از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی
در قطع عضو	۳ سال	از تاریخ اجرای حکم
در قصاص عضو اگر دیه جنایت ارتكابی بیش از نصف دیه مجنی علیه باشد.	۳ سال	از تاریخ اجرای حکم
در نفی بلد	۳ سال	از تاریخ اجرای حکم یا شمول مرور زمان
در حبس تا درجه چهار (حبس بیش از ۵ سال)	۳ سال	از تاریخ اجرای حکم یا شمول مرور زمان
در شلاق حدی	۲ سال	از تاریخ اجرای حکم
در قصاص عضو اگر دیه جنایت ارتكابی نصف دیه مجنی علیه یا کمتر از آن باشد.	۲ سال	از تاریخ اجرای حکم
حبس درجه پنج (حبس بیش از ۲ سال تا ۵ سال)	۲ سال	از تاریخ اجرای حکم یا شمول مرور زمان

سوال کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۹۶: مؤسسه ای دخیل در ارتكاب جرم استفاده بدون مجوز از پهنای باند بین المللی (با مجازات قانونی یک تا سه سال حبس و یا جزای نقدی از یکصد میلیون ریال تا یک میلیارد ریال یا هر دو مجازات) بوده است. اختیار قاضی در صدور حکم به توقیف مؤسسه به مدت یک سال، در ضمن حکم محکومیت، اعمال چه ضمانت اجرایی است؟

(۱) مجازات تبعی
 (۲) مجازات اصلی
 (۳) مجازات تکمیلی
 (۴) اقدامات تأمینی و تربیتی

گزینه ۳ صحیح است. توقیف وسایل ارتكاب جرم یا رسانه یا مؤسسه دخیل در ارتكاب جرم، مجازات تکمیلی محسوب می شود.

نکات مهم

نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه مورخ ۹۲/۶/۴: با توجه به اینکه صرفاً محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی طبق ماده ۲۵ ق.م.ا محکوم علیه را در مدت های مقرر از حقوق اجتماعی محروم می‌نماید. بنابراین در غیر موارد مذکور در بندهای ذیل این ماده محکوم علیه **فاقد سابقه کیفری محسوب می‌گردد** و لزومی به درج در گواهی صادره نیست و باید **گواهی عدم سوء پیشینه** کیفری صادر گردد.

با توجه به تبصره ۲ ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی محرومیت از این سه بند دائمی می‌باشد: (سوال آزمونی بوده)

یک: داوطلب شدن در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان، مجلس شورای اسلامی، شوراهای شهر و روستا

دو: عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت، هیات دولت، تصدی معاونت رئیس جمهور

سه: تصدی ریاست قوه قضائیه، دادستانی کل کشور، ریاست دیوان عالی کشور، ریاست دیوان عدالت اداری

اگر مجازات اصلی غیر از موارد مذکور در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی باشد؛ مراتب محکومیت در پیشینه کیفر محکوم درج می‌شود لکن در **گواهی های صادره از مراجع ذی ربط منعکس نمی‌گردد؛** مگر به درخواست مراجع قضایی برای تعیین یا بازنگری در مجازات

در موارد ذیل مجازات های تبعی اعمال نمی‌شود:

یک: کلیه محکومیت های قطعی در جرایم غیر عمدی با هر میزان و نوع مجازات

دو: کلیه محکومیت های قطعی به دیات

سه: کلیه محکومیت های قطعی به حبس های درجه ۶-۷-۸ (حبس ۲ سال و کمتر از آن)

چهار: کلیه محکومیت های قطعی به جزای نقدی با هر میزان

پنج: کلیه محکومیت های قطعی به شلاق تعزیری با هر میزان

شش: کلیه محکومیت های قطعی به مصادره اموال

هفت: کلیه محکومیت های قطعی به انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی

هشت: کلیه محکومیت های قطعی به محرومیت از حقوق اجتماعی

نه: کلیه محکومیت های قطعی به مجازات های تکمیلی و تبعی

کلیه مجازات های حدی «حدود سالب حیات اعم از اعدام و صلب، شلاق حدی، قطع عضو، نفی بلد و حبس ابد» به موجب ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی دارای مجازات تبعی می باشند.

محکومیت های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است.

مستخدمان دستگاه های حکومتی در صورت محرومیت از حقوق اجتماعی خواه به عنوان مجازات اصلی خواه به عنوان مجازات تکمیلی یا تبعی حسب مورد در مدت مقرر در حکم یا قانون از خدمت منفصل می‌شوند.

موارد رفع اثر تبعی در جرایم قابل گذشت و آزادی مشروط و عفو:

- در جرایم قابل گذشت اگر با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی پس از صدور حکم قطعی، اجرای مجازات موقوف شود **اثر**

تبعی نیز رفع می‌گردد.

- در عفو و آزادی مشروط با گذشت مدتهای مقرر در ماده ۲۵ از زمان عفو یا از زمان اتمام آزادی مشروط **اثر تبعی نیز رفع**

می‌گردد.

محکوم در مدت زمان آزادی مشروط و در زمان اجرای حکم از حقوق اجتماعی محروم می‌گردد.

منظور از عفو مقرر در تبصره ۲ ماده ۲۵ ق.م.ا با لحاظ فراز اول ماده ۹۸ ق.م.ا عفو خصوصی یا عفو رهبری است. زیرا هر چند عفو عمومی همه آثار محکومیت را رفع و منتفی می‌کند اما عفو خصوصی موجب حذف آثار تبعی جرم نمی‌شود. بنابراین تبصره ۲ ماده ۲۵ اطلاق ماده ۹۸ ق.م.ا را تخصیص زده و روشن می‌نماید که عفو رهبری از اطلاق ماده ۹۸ خارج شده و با توجه به تبصره ۲ ماده ۲۵ همچنان آثار تبعی ناشی از محکومیت بعد از گذشت مدت های مقرر در ماده ۲۵ ق.م.ا از تاریخ عفو رهبری قابل محاسبه خواهند بود. مثال: اگر محکوم به حبس درجه ۴ موضوع عفو رهبری و یا موضوع آزادی مشروط قرار گیرد با لحاظ ماده ۲۵ ق.م.ا و

تبصره ۲ این ماده محکوم ظرف ۳ سال از تاریخ عفو و یا ظرف ۳ سال از زمان پایان دوره آزادی مشروط از حقوق اجتماعی محروم خواهد شد و بعد از آن اثر مجازات تبعی رفع می‌گردد.

محکوم در مدت زمان آزادی مشروط و در زمان اجرای حکم از حقوق اجتماعی محروم می‌گردد.

محکومین بعد از گذشت مدت های مقرر در ماده ۲۵ ق.م.ا اعاده حیثیت می‌شوند و آثار تبعی محکومیت آنها زائل می‌گردد **مگر در**

مورد بندهای ۱، ۲ و ۳ ماده ۲۶ ق.م.ا که محکومین از این حقوق به طور دائمی محروم می‌شوند.

آقای الف و خانم ب مرتکب رابطه نامشروع گردیده و مستند به ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ هر کدام به تحمل هشتاد تازیانه محکوم و حکم صادره قطعی و اجرا گردیده است؛ با لحاظ ماده ۲۵ ق.م.ا شلاق تعزیری به هر میزان که باشد فاقد اثری تبعی محرومیت از حقوق اجتماعی می‌باشد.

با توجه به کارکرد محرومیت از حقوق اجتماعی در قالب نهادهای مختلف در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ می‌توان بیان داشت که محرومیت از حقوق اجتماعی متناسب با شرایط و مقررات خاص تفنین شده در یکی از صور ذیل قابل تصور می‌باشد:

یک: به عنوان مجازات های اصلی از نوع تعزیر درجه ۵ یا ۶ یا ۷ (ماده ۱۹ ق.م.ا)

دو: به عنوان مجازات های تکمیلی (بندهای ماده ۲۳ ق.م.ا)

سه: به عنوان مجازات های تبعی (مواد ۲۵ و ۲۶ ق.م.ا)

چهار: به عنوان جایگزین های حبس (ماده ۶۴ ق.م.ا)

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

خودسنجی

سوال کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۸۵: بستن مؤسسه ماهیتاً چه نوع واکنشی محسوب می‌شود؟

- (۱) مجازات ترمیمی
- (۲) اقدامات تأمینی
- (۳) مجازات جایگزین حبس
- (۴) مجازات تکمیلی

گزینه ۲ صحیح است. ماده ۱۲ قانون اقدامات تأمینی، بستن مؤسسه را در زمره اقدامات تأمینی نام برده است.

سوال دکتری: در مورد جرمی که مجازات قانونی آن تا ۲ ماه حبس است، کدام حکم در خصوص اختیار قاضی صحیح است؟

- (۱) می‌تواند محکوم را به یک یا چند مورد از مجازات‌های تکمیلی و تبعی نیز محکوم کند.
- (۲) می‌تواند محکوم را تنها به یک مجازات از مجازات‌های تکمیلی محکوم کند.
- (۳) می‌تواند محکوم را تنها به یک مجازات از مجازات‌های تبعی محکوم کند.
- (۴) نمی‌تواند مجازات‌های تکمیلی تعیین کند.

گزینه ۴ صحیح است. به استناد مواد ۲۳ و ۲۵ و ۸۷ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲.

سوال کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۹۴: کدام مورد، در خصوص اعمال مجازات‌های تکمیلی، صحیح است؟

- (۱) برخی از مجازات‌های تکمیلی تنها در مورد اشخاص حقوقی، قابل اعمال است.
- (۲) اگر جرم با مشارکت شخص حقیقی و حقوقی انجام شود، نسبت به هر دو قابل اعمال است.
- (۳) در مورد اشخاص حقوقی، قابل اعمال نیست.
- (۴) در مورد اشخاص حقیقی و حقوقی، قابل اعمال است.

گزینه ج صحیح است. نظر به مصادیق مجازات‌های تکمیلی مذکور در ماده ۲۳ ق جدید، این مجازات‌ها در خصوص اشخاص حقوقی قابلیت اجرا ندارند.

وکالت ۸۲: فردی به تبعید به عنوان مجازات ترمیمی محکوم می‌شود، در اثنای اجرای حکم، محل تبعید را ترک می‌کند.

طبق قانون جزای ایران کدام یک از گزینه‌های زیر در مورد او قابل اجرا است؟

- (الف) دادگاه فقط دستور اعزام مجدد محکوم به محل تبعید را خواهد داد.
 - (ب) دادگاه حکم به اعزام محکوم به محل دیگری غیر از محل اولیه می‌دهد.
 - (ج) دادگاه مکلف است بنا به پیشنهاد دادسرای مجری حکم، مجازات تبعید را به جزای نقدی یا زندان تبدیل نماید.
 - (د) دادگاه مخیر است به پیشنهاد دادسرای مجری حکم، مجازات تبعید را به جزای نقدی یا زندان تبدیل نماید.
- هیچ کدام. به استناد ماده ۲۴ قانون جدید در مرتبه اول به مدت مجازات تکمیلی تا یک سوم افزوده می‌شود و در مرتبه دوم تبدیل به حبس یا جزای نقدی درجه هفت یا هشت می‌گردد.

قضاوت ۹۰: در صورتی که محکوم به اقامت اجباری در نقطه‌ای، در اثنای اجرای حکم، محل را ترک کند:

- (الف) دادگاه مکلف است به پیشنهاد دادسرای مجری حکم، مدت اقامت اجباری را افزایش دهد.
 - (ب) دادگاه می‌تواند به پیشنهاد دادسرای مجری حکم، مدت اقامت اجباری را افزایش دهد.
 - (ج) دادگاه مکلف است به پیشنهاد دادسرای مجری حکم، مجازات محکوم علیه را به جزای نقدی و یا زندان تبدیل نماید.
 - (د) دادگاه می‌تواند به پیشنهاد دادسرای مجری حکم، مجازات محکوم علیه را به جزای نقدی و یا زندان تبدیل نماید.
- گزینه الف صحیح است. در قانون جدید، دادگاه در مرتبه اول ملزم است یک سوم به مدت آن بیفزاید و در مرتبه دوم موظف است آن را به حبس یا جزای نقدی تبدیل کند. (ماده ۲۴ ق.م.ا.مصوب ۹۲)

بخش دوم: حقوق جزای اختصاصی

فصل اول: جرایم علیه اشخاص

منظور از جرایم علیه اشخاص، جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص است. به این ترتیب، اگرچه جرمی ضرری را متوجه فرد نماید، لیکن چنانچه موضوع جرم شخص نباشد در این بحث جای نمی‌گیرد. برای مثال سرقت اموال یک شخص، در دسته جرایم علیه اموال قرار می‌گیرد؛ اگرچه ضرر آن به شخصی وارد شده است. ولی دارایی شخص موضوع جرم بوده نه خود شخص. پس جرایم علیه اشخاص، جرایمی هستند که جسم و بدن اشخاص را هدف قرار داده‌اند مانند قتل، ضرب و جرح، آدم‌ربایی، توقیف غیر قانونی و ... همچنین بعضی جرایم متوجه شخصیت معنوی اشخاص هستند مانند آبرو، حیثیت و شرف، مانند افترا، نشر اکاذیب، توهین و... که شخص انسان موضوع جرم قرار می‌گیرد اگرچه بر کالبد و بدن مادی او تأثیری ندارد. شناخت هر جرم مستلزم بررسی عناصر متشکله آن است، این عناصر عبارتند از: **عناصر قانونی - عنصر مادی - عنصر روانی**

و
و
و
و

قتل عمد

اگر شخصی در انجام فعل خود عامد باشد و در نتیجه آن نیز عامد باشد، قتل ارتكابی توسط او عمدی است. برای مثال شخص در چاقو زدن به دیگری دارای اراده است، عمد در فعل و قصد کشتن او را نیز دارد (عمد در نتیجه) و شخص کشته می‌شود، این قتل عمدی است. مطابق ماده ۲۹۰ قانون مجازات جنایت در موارد زیر عمدی محسوب می‌شود:

الف- هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن بشود، خواه نشود.

نکته: حسین با سلاحی که برد آن بسیار کم است فردی ناشناس و تعیین نشده از یک جمع را که در فاصله زیادی از او قرار دارد به قصد کشتن مورد حمله قرار داده و در نتیجه عمل او مجنی علیه کشته می‌شود. عمل حسین: قتل عمد است.

ب- هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، می‌گردد، هرچند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود.

پ- هرگاه مرتکب قصد ارتکاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف، نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، نمی‌شود لکن در خصوص مجنی علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی، نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود، مشروط بر آنکه مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد.

ت- هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد، و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن، واقع شود، مانند اینکه در اماکن عمومی بمب گذاری کند.

مطابق تبصره ۱ ماده ۲۹۰ در بند ب عدم آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات گردد و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی است مگر جنایت واقع شده فقط به علت حساسیت زیاد موضع آسیب، واقع شده باشد و حساسیت زیاد موضع آسیب نیز غالباً شناخته شده نباشد که در این صورت آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات شود و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نمی‌شود.

مفهوم بند الف-ب-پ- ماده ۲۹۰

در بند الف این ماده فعل اهمیتی ندارد، بلکه همین که قصد انجام قتل در شخص وجود داشته باشد برای احراز عمدی بودن جنایت کافیه است. در بند ب اشاره شده که چنانچه عمل شخص نوعاً باعث جنایت می‌شود، دیگر نیازی به احراز قصد در نتیجه نیست چراکه قصد در نتیجه در عمل فرد نهفته است، مثلاً فردی که به قلب دیگری چاقو می‌زند، نمی‌تواند مدعی آن شود که قصد کشتن او را نداشته، چراکه این عمل نوعاً کشنده است! یا کسی که دیگری را از طبقه آخر یک برج به پایین می‌اندازد، نمی‌تواند مدعی شود قصد کشتن او را نداشته. در بند ب باید آگاهی و توجه مرتکب به اینکه کار نوعاً نسبت به مجنی علیه، موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌شود ثابت گردد و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نمی‌شود.

بند پ نقطه مقابل بندهای الف و ب است، یعنی شخص نه قصد انجام جنایت دارد، و نه عمل او نوعاً کشنده است. اما مجنی علیه دارای ویژگی خاصی است که عمل مرتکب جنایتی به او وارد می‌کند و مرتکب نیز از ویژگی خاص او مطلع است. مثلاً شخصی به دیگری که اتفاقاً به تازگی تحت عمل جراحی قلب بوده ضربه‌ای می‌زند که آن ضربه نوعاً ایجاد جنایت نمی‌کند، ولی در این مورد به‌خصوص منجر به مرگ می‌شود. چنانچه مرتکب در زمان انجام عمل مجرمانه از وضعیت قلبی مجنی علیه آگاهی داشته باشد، قتل او عمدی است. رأی وحدت رویه شماره ۴۵۵۲-۱۳۳۵/۹/۲: **چوب به اعتبار حساسیت موضع، آلت قتاله محسوب می‌شود.**

مقصود از کلمه آلت، مذکور در ماده ۱۷۱ قانون مجازات عمومی، وسیله‌ای است که مرتکب بکار برده و به مرگ منتهی شده باشد و اعم است از اینکه وسیله مزبور معمولاً کشنده باشد و یا آنکه از جهت حساس بودن موضع اصابت، به مرگ مجنی علیه منتهی گردد و محدود ساختن قسمت اخیر ماده مزبور به موردی که آلت عرفاً قتاله شناخته شود موافق با منظور ماده مزبور نیست.

نکته: هرگاه قتلی صورت گرفته باشد اصل بر عمدی بودن آن است، مگر آنکه در حین تحقیقات و ... مخالف آن ثابت گردد.

نکته: عبارت فرد یا افرادی معین، در بند الف ماده، منظور اشخاصی که مورد هدف جانی بوده‌اند نه اشخاصی که مدنظرش هستند، بنابراین اگر جانی شخصی را به گمان اینکه الف است مورد هدف قرار دهد و اتفاقاً جنایت نیز حاصل شود، قتل عمدی است. زیرا اشتباه در هویت تأثیری در غیر عمد تلقی شدن عمل مرتکب ندارد و در هر صورت عمدی است و نیازی نبود قانونگذار آن را بیان نماید. در حالی که اشتباه در هدف عمل مرتکب را از شمول بند الف خارج می‌سازد.

نکات مهم

□ در جرایم مستوجب حد مرتکب در صورتی مسئول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسئولیت کیفری، به حرمت شرعی رفتار ارتكابی آگاه باشد.

□ در جرایم مستوجب حد چنانچه مرتکب ادعای فقدان علم یا قصد یا یکی از موانع مسئولیت کیفری در زمان ارتكاب جرم نماید؛ در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود، این ادعا پذیرفته می‌شود. اگر ادعای کند که اقرار او با تهدید و ارباب و یا شکنجه گرفته شده است؛ ادعای مذکور بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می‌شود. لکن در جرایم **مخاربه، افساد فی الارض و جرایم منافی عفت یا عنف، اکراه، ربایش یا اغفال**، صرف ادعای مسقط حد نیست و دادگاه موظف به بررسی و تحقیق بوده و فقط در صورت اثبات محتوای ادعا، ادعای مذکور پذیرفته می‌شود.

□ و
□ و
□ و
□ و
□

□ هر کس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرایی جرمی مشارکت کند و جرم مستند به رفتار همه آنها باشد؛ خواه رفتار هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنان مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است. در مورد رای عمدی نیز چنانچه جرم مستند به تقصیر دو یا چند نفر باشد مقصر آن شریک در جرم و یا جنایات محسوب می‌شوند و مجازات هر یک از آنان مجازات فاعل مستقل آن جرم است.

□ اگر عده ای آسیب‌هایی را بر مجنی علیه وارد کنند و تنها برخی از آسیب‌ها موجب قتل او شود فقط واردکنندگان این آسیب‌ها شریک در قتل می‌باشند و دیگران حسب مورد به قصاص عضو یا پرداخت دیه محکوم می‌شوند.

□ **نکته مهم: هم در جنایات عمدی و هم جنایات غیر عمدی:**

• هر گاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند به گونه ای که وی را در حکم مرده قرار داده و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حال دیگری با انجام رفتاری به حیات غیر مستقر او پایان دهد؛ **قتل منتسب به نفر اول بوده و در نتیجه نفر اول قصاص می‌شوند و نفر دوم به مجازات جنایت بر میت محکوم می‌گردد.**

□ اکراه در قتل مجوز قتل نیست و **مرتکب یا مباشر قصاص می‌شود** و اکراه کننده به حبس ابد محکوم می‌گردد.

□ اگر اکراه شونده طفل غیر ممیز یا مجنون باشد فقط **اکراه کننده محکوم به قصاص است** و اگر اکراه شونده طفل ممیز باشد عاقله او دیه مقتول را می‌پردازد. در این مورد اکراه کننده **حبس ابد می‌شود. اگر اکراه کننده به هر علت به حبس ابد محکوم نشود به مجازات معاون در قتل محکوم می‌شود.**

□ اگر پدری، دیگری را جهت قتل فرزندش اکراه به قتل کند در صورت قتل فرزند توسط شخص اکراه شده مباشر قصاص می‌شود لکن اکراه کننده به دلیل وجود رابطه ابوت محکوم به حبس ابد نیز نخواهد شد اما به مجازات معاون در قتل محکوم می‌شود.

□ و
□ و
□ و
□ و
□ و

خودسنجی

۱- خیانت در امانت، با کدام افعال مادی زیر، تحقق مییابد؟

- الف- سوء استفاده با تصاحب یا تلف مفقود کردن اشیاء
- ب- سوء استفاده یا تصرف یا تلف یا مفقود کردن اشیاء
- ج- استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود کردن اشیاء
- د- استعمال یا تصرف یا تلف یا مفقود کردن اشیاء

پاسخ تشریحی: نخستین دادگاهی که به اراده جامعه بین الملل برای رسیدگی به جرایم مرتکبان تشکیل شد دادگاه نورنبرگ و سپس دادگاه توکیو بود. تشکیل این دو دادگاه تحولی شگرف در حقوق بین الملل قلمداد می‌شود، چرا که برای نخستین بار در تاریخ، جامعه جهانی با تشکیل یک دادگاه بین المللی به جرایم مهمی نظیر نسل کشی و جنایت علیه بشریت پرداخت.

گزینه ج صحیح است.

۲- توهین به رئیس کشور خارجی که وارد قلمرو ایران شده، در کدام شرایط جرم است؟

- الف- در صورت علنی بودن و به شرط معامله متقابل
- ب- صرفاً به شرط معامله متقابل
- ج- در صورت علنی بودن یا به شرط معامله متقابل
- د- مطلقاً جرم است.

پاسخ تشریحی: قدیمی‌ترین اشاره حقوقی به جرائم اقتصادی در لوای واژه جرائم یقه سفیدها و توسط "ادوین ساترلند" صورت گرفته است. در سال ۱۹۳۹ میلادی ساترلند با مطالعه حسابها و پرونده‌های مالی و اقتصادی هفتاد شرکت بزرگ آمریکایی و مشکلات اقتصادی و ناهنجاریهای مالی آنها را در عرصه تجارت و بازار و اقتصاد مورد بررسی قرار داده و تاثیرات فعالیت‌های غلط اقتصادی آنها را بر کل جامعه بررسی کرد و در پایان این تحقیق میدانی و تحقیقات دیگر، کتابی بنام جرائم یقه سفیدها را تألیف کرد. در این تألیف ساترلند در راستای ادامه مفهوم دقیق از واژه جدیدی که وارد حقوق کیفری نموده است، فقط خصوصیات و ویژگیهایی را از جرائم اقتصادی ارائه می‌دهد و هیچ تعریفی از این جرائم ارائه نمی‌دهد و تنها به معرفی چند خصوصیت برای جرائم فوق بسنده کرده است، خصوصیات مانند نرم بودن و غیر خشونت آمیز بودن این جرائم، در راستای شغل و حرفه بودن این جرائم، تعلق مرتکبین این جرائم به بخش خاص و گروه خاصی از جامعه، محترم بودن این مرتکبین و عدم قبح اجتماعی بازدارنده اعمال این مرتکبین. البته انتقادات بسیاری به مباحث مطروحه توسط ساترلند وارد است.

گزینه الف صحیح است.

۳- روبه غالب دادگاه‌های ایران در خصوص خودیاری (تقاص) چگونه است؟

- الف- در روبه دادگاه‌های ایران خودیاری مورد پذیرش واقع نشده و صرف فعل آن ضمان آور است.
- ب- در مواردی پذیرفته‌اند که مرتکب به دلیل داشتن سوء نیت خاص دارای مسئولیت کیفری می‌باشد.
- ج- در مواردی پذیرفته‌اند که مرتکب به دلیل نداشتن سوء نیت خاص فاقد رکن روانی و در نتیجه، فاقد مسئولیت کیفری می‌باشد.
- د- حکم تقاص فقط در مواردی پذیرفته شده است که مرتکب به دلیل داشتن سوء نیت خاص فاقد رکن روانی و در نتیجه دارای مسئولیت کیفری بوده و رابطه بین حق مورد مطالبه مرتکب و اموال سپرده شده به او موجود باشد.

پاسخ تشریحی: دادگاه‌های ایران به طور معمول، حکم تقاص را فقط در مواردی پذیرفته‌اند که مرتکب به دلیل نداشتن سوء نیت خاص فاقد رکن روانی و در نتیجه، فاقد مسئولیت کیفری بوده و رابطه بین حق مورد مطالبه مرتکب و اموال سپرده شده به او موجود باشد.

گزینه ج صحیح است.

و
و
و
و

بخش سوم: آیین دادرسی کیفری

□ مفهوم آیین دادرسی کیفری چیست؟

آیین دادرسی کیفری مجموعه مقرراتی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزهدیده و جامعه وضع می‌شود. به بیان دیگر، به روندی که از زمان وقوع جرم تا زمان اجرای مجازات طی می‌شود آیین دادرسی کیفری می‌گویند. در کشور ما **اولین قانون** مربوط به آیین دادرسی کیفری، قانون اصول محاکمات جزایی مصوب ۱۲۹۰ هجری شمسی و جدیدترین قانون هم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۴ می‌باشد.

مراحل آیین دادرسی کیفری ← مقام انجام دهنده

۱- **وظیفه کشف جرم:** نیروهای انتظامی (ضابطان عام و خاص)

۲- **وظیفه تعقیب جرم:** دادستان

۳- **وظیفه تحقیق:** بازپرس

۴- **وظیفه دادرسی:** دادگاه

۵- **اجرای حکم:** دادستان

□ منابع آیین دادرسی کیفری:

- الف- قانون اصول محاکمات جزایی مصوب ۱۲۹۰ شمسی در مورد ۲ نوع جرم: الف- جرائم خاص نظامیان ب- جرائم عمومی نظامیان در حین انجام وظیفه کاربرد دارد؛
- ب- آیین‌نامه دادگاه‌های ویژه روحانیت ۱۳۶۸ برای جرائم روحانیون؛
- ج- در خصوص سایر افراد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲؛
- د- آراء وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور (به معنای خاص) موضوع ماده ۲۷۰ آ.د.ک؛
- ه- منابع فقهی در قانون جزا مکمل قوانین است ولی در آیین دادرسی کیفری جزو قوانین اصلی و الزامی است؛
- و- دکتترین؛
- ز- رویه قضایی به معنای عام؛

□ اهداف آیین دادرسی کیفری:

الف- پیشگیری از اشتباهات قضایی؛ ب- تشخیص اتهامات صحیح از اتهامات ناروا؛ ج- تأمین آرامش خاطر شهروندان و به‌طور کلی حفظ حقوق متهم و برقراری نظم و امنیت در جامعه.

□ ویژگی‌های آیین دادرسی کیفری و تفاوت آن با مقررات جزایی:

- الف- در قوانین جزایی برای جلوگیری از تضییع حق متهم، اصل بر تفسیر مضیق قوانین کیفری است؛ حال آن که در مقررات آیین دادرسی کیفری برای اجرای بهتر عدالت، اصل بر تفسیر موسع قوانین است.

- ب- در حقوق جزا قیاس قابل پذیرش نیست اما در قانون آیین دادرسی کیفری قیاس پذیرفتنی است. چون فرض است که با قیاس آزادی‌های فردی و عدالت اجرا می‌شود.
- ج- قوانین جزا به گذشته عطف نمی‌شود مگر در موارد استثنائی (مطابق ماده ۱۰ قانون مجازات جدید) اما در قوانین شکلی اصل این است که قانون به گذشته سرایت می‌کند، مگر در ۲ مورد: **الف** - برخلاف حقوق مکتسبه افراد باشد.
- ب- قانون جدید آثار اقدامات قضایی را که طبق مقررات قبلی صحیحاً انجام شده کان لم یکن محسوب کند.

□ سیستم های آیین دادرسی کیفری:

الف - سیستم اتهامی

ویژگی‌های این سیستم:

- **نخست:** ضرورت طرح شکایت شاکی
- **دوم:** قضات تحصیل کرده علم حقوق نبوده بلکه افراد عادی هستند.
- **سوم:** رسیدگی‌ها علنی است.
- **چهارم:** رسیدگی‌ها شفاهی می‌باشد.
- **پنجم:** رسیدگی‌ها ترافیعی بوده یا به تعبیر دیگر **تدافعی است.**
- **ششم:** متهم از ادله علیه خودش مطلع است.
- **هفتم:** قاضی از آوردن دلیل یا تحصیل دلیل ممنوع می‌باشد.
- **هشتم:** در این روش مقام و مرجعی برای تعقیب جرم وجود ندارد و ناگزیر وظیفه بر عهده متضرر از جرم است.

نکته: تدافعی بودن سیستم اتهامی یعنی متهم و شاکی همچون دعاوی حقوقی در برابر همدیگر قرار می‌گیرند؛ شاکی دلایل خویش علیه متهم را تا جلسه دادرسی ابراز داشته و متهم هم در مقابل دفاع می‌کند. بنابراین هیچگونه محدودیت دفاعی وجود ندارد و اشخاص با توسل به هر وسیله‌ای می‌توانند بی‌گناهی خویش را ثابت کنند. در این نوع دادرسی متهم از کلیه اتهامات و ادله مثبت آن، لاقلاً در جلسه دادرسی آگاه شده و از خود دفاع می‌کند. حتی گفته شده که تحقیق از شهود هم بوسیله طرفین دعوی است و قاضی در این مورد نقش مستمع را ایفا می‌کند یعنی دادگاه حق انجام تحقیق و بررسی ادله ابرازی طرفین را ندارد و به اظهارات گوش فرا می‌دهد.

* کدام گزینه در خصوص ترافیعی بودن دادرسی صحیح نیست؟ (سؤال سراسری)

- ۱) ادله طرفین آزادانه مورد بحث و گفتگو قرار گیرد.
 - ۲) دادگاه حق انجام تحقیق و بررسی ادله ابرازی طرفین را ندارد.
 - ۳) شاکی کلیه ادله موجود علیه متهم را تا جلسه دادرسی ارائه کند.
 - ۴) متهم از کلیه اتهامات و ادله مثبت آن لاقلاً در جلسه دادرسی آگاه شود و از خود دفاع کند.
- گزینه ۱ صحیح است.

* کدام گزینه بیانگر ویژگی روش دادرسی اتهامی نیست؟ (سؤال سراسری)

- ۱) در این روش مقام و مرجعی برای تعقیب جرم وجود ندارد و ناگزیر وظیفه بر عهده متضرر از جرم است.
 - ۲) شخصی که به موضوع اتهام رسیدگی می‌کند، یک قاضی حرفه‌ای نیست و اطلاعات قضایی ویژه‌ای در امر دادرسی کیفری ندارد.
 - ۳) محاکمه به صورت شفاهی است؛ یعنی پرونده کتبی وجود ندارد و اظهارات طرفین دعوا نیز نوشته نمی‌شود.
 - ۴) محاکمه به صورت غیرعلنی است و افراد جامعه نمی‌توانند آزادانه در جلسه دادرسی حاضر شده و صحنه قضاوت را از نزدیک به تماشا بنشینند.
- گزینه ۴ صحیح است.

ب - سیستم تفتیشی:

ویژگی‌های سیستم تفتیشی:

- اول: حرفه‌ای بودن قضات؛
- دوم: غیر ترافیعی بودن؛
- سوم: غیر علنی بودن؛
- چهارم: کتبی بودن؛
- پنجم: گسترش مرحله تحقیقات مقدماتی و اجازه به قضات به تحصیل دلیل؛
- ششم: وحدت قاضی و دادستان؛
- هفتم: وجود مقام تعقیب.

ادله اثبات سیستم تفتیشی:

- اقرار ولو با شکنجه

مزایای سیستم تفتیشی:

- حرفه‌ای بودن قضات
- وجود مقام تعقیب و اجازه قاضی برای کشف دلیل

معایب سیستم تفتیشی:

- غیر علنی بودن
- غیر ترافیعی بودن

ج - سیستم مختلط یا فرانسوی:

این سیستم نخستین بار پس از انقلاب کبیر ۱۷۸۹ در فرانسه ظاهر شد و پس از آن در دیگر کشورها از جمله ایران رواج گرفت. در این سیستم، مرحله تحقیقات مقدماتی که در دادسرا انجام می‌شود به طریق تفتیشی است (کتبی، غیر علنی و غیر ترافیعی است) و مرحله محاکمه و دادرسی که به دادگاه ارجاع شده به طریق اتهامی است.

د - سیستم دادرسی اسلامی

از ویژگی‌های سیستم دادرسی اسلامی می‌توان موارد زیر را نام برد:

- اول: علنی بودن
- دوم: شفاهی بودن
- سوم: رافعی بودن
- چهارم: فقدان دوئل و اردالی
- پنجم: وحدت قاضی
- ششم: مراجعه مستقیم به قاضی
- هفتم: اصل براءت
- هشتم: فقدان هیئت منصفه
- نهم: عدم نیاز به شکایت شاکی در جرم‌های حق‌الله (زنا - لواط - شرب خمر)
- دهم: قطعیت احکام.
- یازدهم: قسامه و علم قاضی از طرق اثبات اند

نکات شبیه سازی شده و طلایی

□ **اصل صلاحیت حمایتی:** به موجب این اصل دادگاه‌های داخلی یک کشور صلاحیت رسیدگی به جرائمی را دارند که **علیه منافع اساسی آن در خارج از کشور واقع شده است؛ بدون این که مرتکبین تابعیت این کشور را داشته باشند.** بنابراین در اینجا ماهیت جرائم ارتكابی مناط اعمال صلاحیت است نه محل وقوع جرم؛ مانند جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی.

□ **اصل صلاحیت حمایتی:** هر شخص ایرانی یا غیرایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم زیر یا جرائم مقرر در قوانین خاص گردد، **طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود** و هرگاه رسیدگی به این جرائم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منتهی شود، دادگاه ایران در تعیین مجازات‌های تعزیری، **میزان محکومیت اجراء شده را محاسبه می‌کند:**

الف - اقدام علیه نظام، امنیت داخلی یا خارجی، تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری اسلامی ایران؛

ب - جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط مقام رهبری یا استفاده از آن؛

پ - جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط رسمی رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضائیه، رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس مجلس خبرگان، رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، اعضای شورای نگهبان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزرا یا معاونان رئیس‌جمهور یا استفاده از آنها؛

ت - جعل آراء مراجع قضائی یا اجرائیه‌های صادره از این مراجع یا سایر مراجع قانونی و یا استفاده از آنها؛

ث - جعل اسکناس رأیج یا اسناد تعهدآور بانکی ایران و همچنین جعل اسناد خزانه و اوراق مشارکت صادر شده یا تضمین شده از طرف دولت یا تهیه یا ترویج سکه قلب در مورد مسکوکات رأیج داخل؛ (صلاحیت واقعی یا مبتنی بر امنیت)

□ **صلاحیت فرا سرزمینی:** هرگاه شخص غیرایرانی در خارج از ایران علیه شخصی ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی به جز جرائم مذکور در صلاحیت واقعی شود و **در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد،** طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می‌شود، مشروط بر اینکه:

الف - متهم در جرائم موجب تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجراء نشده باشد.

ب - رفتار ارتكابی در جرائم موجب تعزیر به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران و قانون محل وقوع جرم باشد. (صلاحیت شخصی منفعل یا مبتنی بر تابعیت بزه‌دیده)

□ **رأی وحدت رویه شماره ۷۴۵ مورخ ۱۳۹۴:** با توجه به ماده ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی که مقرر می‌دارد؛ آراء صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدیدنظر و فرجام، **تابع قوانین مجری در زمان صدور آنان می‌باشند** و از طرفی به موجب ماده ۴ قانون مدنی اثر قانون نسبت به آتیه است؛ لذا مقررات قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ منصرف از آرائی است که پیش از لازم‌الاجراء شدن آن صادر گردیده است.

و

و

و

و

و

نکات مهم مستخرج از قانون آیین دادرسی کیفری

نکته: عوامل سقوط دعوای عمومی یا موقوفی تعقیب یا اجرای مجازات عبارت‌اند از:

الف - فوت متهم یا محکوم‌علیه؛

ب - گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت؛

پ - شمول عفو؛

ت - نسخ مجازات قانونی؛

ث - شمول مرور زمان در موارد پیش‌بینی شده در قانون؛

ج - توبه متهم در موارد پیش‌بینی شده در قانون؛

چ - اعتبار امر مختوم.

نکته: گذشت مشروط و معلق در صورتی ترتیب اثر داده می‌شود که آن شرط یا معلق‌علیه تحقق یافته باشد.

نکته: مدت مرور زمان اجرای مجازات از مدت مرور زمان تعقیب و صدور حکم بیشتر است.

نکته (مهم): جرائم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی‌شوند:

□ الف - جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور

□ ب - جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون با رعایت مبلغ مقرر در

آن ماده

□ پ - جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر

نکته: هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود. مگر آنکه

ادله اثبات جرم به نحوی باشد که فرد در حالت افاقه نیز نمی‌توانسته است از خود رفع اتهام کند. در این صورت به **ولی یا قیم**

وی ابلاغ می‌شود که **ظرف مهلت پنج روز** نسبت به معرفی وکیل اقدام نماید. در صورت عدم معرفی، صرف‌نظر از نوع جرم

ارتكابی و میزان مجازات آن وفق مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌شود و تعقیب و دادرسی ادامه می‌یابد.

نکته: ضرر و زیان ناشی از جرم که از سوی شاکی قابل مطالبه است عبارت‌اند از: **ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع**

ممکن‌الحصول

نکته: مدت زمان امکان مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم از دادگاه کیفری (مدت زمان طرح دعوای خصوصی و تقدیم دادخواست

ضرر و زیان به دادگاه کیفری) **از زمان شروع به تعقیب متهم تا قبل از اعلام ختم دادرسی (در مرحله بدوی)**، می‌باشد.

نکته: اصل برگشت ناپذیری: مطابق این اصل هرگاه دعوای ضرر و زیان ابتدا در دادگاه حقوقی اقامه شود، دعوای مذکور قابل

طرح در دادگاه کیفری نیست، مگر آن که مدعی خصوصی پس از اقامه دعوی در دادگاه حقوقی، متوجه شود که موضوع واجد جنبه

کیفری نیز بوده است که در این صورت **می‌تواند با استرداد دعوی، به دادگاه کیفری مراجعه کند.**

و

و

و

و

نکات مستخرج از سوالات آزمونی

- اگر دادیار دادرسی متهم به ارتکاب جرمی گردد، در مورد تعقیب کیفری او، در صورتی که اتهام مربوط به یک جرم عمدی باشد، بدو باید توسط **دادگاه عالی انتظامی قضات** از شغل خود معلق، و در صورتی که مربوط به یک جرم غیرعمدی باشد **دادستان انتظامی قضات** اجازه تعقیب او را صادر می‌کند.
- در صورت وقوع حادثه منجر به صدمه به الف، شهرداری شهرستان غیرمرکز استان مسئول شناخته شده و تحت تعقیب و محاکمه قرار می‌گیرد. رسیدگی به اتهام شهرداری، حسب مورد **در صلاحیت شهرستان محل وقوع جرم است.**
- الف در سن ۱۷ سالگی مرتکب خیانت در امانت شده و به یک سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم می‌شود. زمان شروع به اجرای مجازات، وی ۲۰ سال سن دارد، **در این صورت رأی قابل اجرا است و محکوم در بخش نگهداری جوانان در کانون اصلاح و تربیت نگهداری می‌شود.**
- الف تبعه ایران، تارنمایی را در اصفهان ثبت می‌کند. سپس از کانادا داده‌هایی را در این تارنما بارگذاری می‌کند که محتوای آن تحریک به خودکشی جمعی است و در نتیجه این تحریک، یک گروه در بندر عباس خودکشی می‌کنند. موضوع توسط ضابطان در کرج کشف می‌شود و الف هنگام مراجعت به ایران، در شیراز دستگیر و احراز می‌شود که داده‌ها از کانادا بارگذاری شده است، **دادگاه کیفری شیراز صلاحیت رسیدگی به جرم او را دارد.**
- دادگاه کیفری دو قرار کفالت برای متهم صادر می‌کند، متهم به دلیل عجز از معرفی کفیل بازداشت می‌شود؛ **قرار صادره اساساً قابل اعتراض نیست.**
- شخصی در دادگاه کیفری دو به اتهام سرقت تعزیری به تحمل دو سال حبس محکوم می‌شود؛ رأی عیناً در دادگاه تجدیدنظر استان تأیید می‌گردد. شاکی خصوصی پس از قطعیت رأی اعلام رضایت کرده و محکوم‌علیه تقاضای تخفیف مجازات را به همین جهت می‌کند؛ مرجع رسیدگی به این اعتراض **دادگاه تجدیدنظر استان** می‌باشد.
- **ممنوعیت از ملاقات بستگان طبقه اول در مدت حبس** در هیچ صورتی نسبت به متهمان سیاسی قابلیت اعمال ندارد.
- شخصی متهم به بزه خیانت در امانت است. بازپرس حین رسیدگی، قرار بازرسی از محل کار متهم را صادر می‌کند و در حین بازرسی، یک قبضه سلاح گرم متعلق به متهم کشف می‌شود؛ **بازپرس در خصوص گزارش و تحقیق درباره جرم مکشوفه اقدامات لازم را برای حفظ آثار و علایم جرم انجام داده و همزمان مراتب را به دادستان اطلاع می‌دهد.**
- هرگاه بین دادستان و بازپرس در خصوص عمدی یا غیرعمدی بودن قتل اختلاف شود، حل اختلاف با **دادگاه کیفری دو محل** است.
- و
- و
- و
- و
- و
- و
- و

خودسنجی

۱- مطابق قانون آ.د.ک ۱۳۹۲ در خصوص انواع دادگاه‌های کیفری، همه موارد ذیل صحیح است، مگر گزینه.....؟

۱- دادگاه کیفری یک و دو

۲- دادگاه ویژه روحانیت

۳- دادگاه اطفال و نوجوانان

۴- دادگاه نظامی

✓ گزینه ۲ صحیح است. زیرا برخلاف ماده ۲۹۴ ق.آ.د.ک ۹۲ است.

۲- ضابطان دادگستری...

۱- مکلف به ذکر گزارش هستند و عدم ذکر گزارش موجب محکومیت انتظامی است.

۲- مکلف است به ذکر گزارش است.

۳- مکلف به ذکر اظهارات شاکی در مورد ضرر و زیان وارده است در غیر این صورت محکوم به انفصال است.

۴- همه گزینه ها صحیح است.

✓ گزینه صحیح ۳ سؤال تلفیقی از مواد ۳۹ و ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری می باشد.

۳- کدام یک از اشخاص زیر حق درخواست اعاده دادرسی از احکام قطعی دادگاه‌های نظامی را دارند؟

۱- محکوم علیه یا وکیل یا نماینده قانونی او و در صورت فوت یا غیبت محکوم علیه، همسر و وراث قانونی و وصی او.

۲- دادستان کل کشور و دادستان نظامی.

۳- رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح.

۴- هر سه مورد.

✓ گزینه ۴ صحیح است. مستند به ماده ۶۳۷ ق.آ.د.ک که مقرر می دارد: علاوه بر اشخاص مندرج در ماده ۴۷۵ ق.آ.د.ک

رئیس سازمان قضایی نیز نسبت به احکام قطعی دادگاه‌های نظامی حق درخواست اعاده دادرسی را دارد.

۴- انتشار تصویر متهمان دستگیر شده جهت آگاهی بزه دیدگان برای طرح شکایت فقط به درخواست..... و

موافقت..... امکان پذیر است.

۱- بازپرس - دادستان شهرستان

۲- دادستان شهرستان - بازپرس

۳- دادستان شهرستان مرکز استان - بازپرس

۴- بازپرس - دادستان شهرستان مرکز استان

گزینه ۱ صحیح است. با توجه به ماده ۹۶ انتشار عکس در این مورد با درخواست بازپرس و موافقت دادستان شهرستان به

عمل می آید.

و

و

و

و

بخش چهارم: متون حقوقی

متون حقوق خصوصی

A contract

A **contract** may be defined as an **agreement** which is either **enforced** by law or recognized by laws affecting the legal rights or duties of the parties. The law of contract is, therefore, primarily concerned with three questions: is there an agreement? Is it one which should be **legally** recognized or enforced? And just how is the agreement enforced, or, in other words, what remedies are available to the injured party when a contract has been broken?

قرارداد

قرارداد ممکن است به عنوان توافقی تعریف شود که یا بوسیله قانون تنفیذ می گردد و یا بوسیله مقررات حاکم بر حقوق و تکالیف قانونی طرفین، به رسمیت شناخته می شود. بنابراین حقوق قرارداد مقدماتاً با سه پرسش مطرح می شود: آیا توافقی وجود دارد؟ آیا توافق مذکور از انواعی است که بطور قانونی باید به رسمیت شناخته و اجرا شود؟ و اگر چنین است به چه نحو اجرا می گردد و به دیگر سخن، در صورت نقض^۱ قرارداد چه راههای جبران خسارتی در دسترس زیان دیده می باشند.

agreement **توافق**

enforce **تنفیذ**

remedy **جبران خسارت**

injured party **در دسترس زیان دیده**

In this article our concern will be with the general rules, and to some extent with the modified form in which they apply to particular transactions. Rules peculiar to particular transactions will not in general be discussed, nor will any attempt be made to give any systematic account of the rules governing any one or more particular or special contracts. At the same time, it is necessary to warn the reader that the general "law of contract" is something of an abstraction, since most contracts obviously concern some particular class of transaction; and since there is always some degree of danger in assuming that a "general" rule applies (at least without modification) to a contract of the particular type under consideration.

در این موارد ما با قواعد کلی و تا حدودی با شکل اصلاح شده قواعدی که نسبت به معاملات خاصی اعمال می گردند، ارتباط خواهیم داشت. بطور کلی قواعدی که ویژه ی معاملات خاصی هستند بررسی نشده و هیچ تلاشی جهت ارائه شمار منظمی از قواعدی که بر یک یا چند قرارداد خاص حکومت دارند، صورت نخواهد پذیرفت. در عین حال، لازم است به اطلاع^۲ خواننده برسد که «حقوق کلی قرارداد» امری انتزاعی^۳ است، چرا که اغلب قراردادها، آشکارا مربوط به طبقه خاصی از معاملات می شوند. و نیز بدین علت که همواره تصور اعمال یک قاعده «کلی» نسبت به قراردادی (دست کم در صورتیکه قاعده ی مذکور اصلاح نشده باشد) از نوع خاص، که تحت بررسی است، حاوی مقداری خطر خواهد بود.

Modified **اصلاح شده**

transaction **معاملات**

۱- broken

۲- warn

۳- abstraction

Agreement

In the normal case, a contract results from an agreement between the parties to it: and much of the law of contract is concerned with the process of reaching agreement, and with the contents of the agreement when reached. Nevertheless, the description of a contract as an agreement is subject to a number of important qualifications.

توافق

به طور معمول، قرارداد ناشی از توافقی فی مابین طرفین آن است. و بیشتر حقوق قرارداد مربوط به فرایند رسیدن به توافق و محتوی توافق در صورت حصول می باشد. با اینحال توصیف قرارداد تحت عنوان یک توافق، مشروط به شرایط مهم چندی است.

The first of these is that the law, generally speaking, applies an objective test of agreement. If one party, A, so conducts himself as to induce the other, B, reasonably to believe that A is assenting to certain terms proposed by B, then A will generally be held so to have assented, whatever his actual state of mind may have been. The law adopts this attitude in the interests of convenience: a person to whom a contractual proposal is made might be seriously prejudiced if he could not take it at its face value. The principle is, however, one of convenience only, so that it will not be applied where, on balance, the inconvenience to A of applying the objective test exceeds the inconvenience to B of allowing A to rely on his actual intention.

نخستین شرط از این شرایط آن است که قانون به طور کلی یک معیار عینی برای توافق بکار می برد. اگر یک طرف قرار داد، آقای الف، چنان رفتاری از خود نشان دهد که موجب شود^۱ طرف دیگر قرارداد، آقای ب، بطور معقولی تصور نماید که الف بر شرایط معینی که از طرف او پیشنهاد شده است رضایت دارد، در این صورت صرف نظر از اینکه حالت ذهنی واقعی الف ممکن است چه بوده باشد، مقرر خواهد شد که او رضایت داشته است. قانون این معیار را به دلیل سهولت آن می پذیرد: شخصی که به او یک پیشنهاد قراردادی شده است، ممکن است اگر نتواند ارزش واقعی آن پیشنهاد را برداشت کند به طور شدیدی لطمه^۲ ببیند. به هر حال این اصل، اصل سهلی است بطوریکه اگر مصائب وارد بر الف بیشتر از صعوبت وارد بر ب- در اثر اجازه به الف جهت اتکا به قصد واقعی خویش شود قابل اعمال نخواهد بود.

Description توصیف

Attitude معیار

The second qualification is that, even where agreement determines the existence of a contract, it does not necessarily determine all the contents or scope of a contract. These matters are often determined by so-called "implied terms". These may be divided into terms implied in fact and terms implied in law. Only terms implied in fact are truly based on the intention of the parties. Terms implied in law are duties prima facie imposed by law: and with respect to them, the intention of the parties is relevant only insofar as it may be open to the parties to exclude the implied terms by express contrary agreement.

شرط دوم آن است حتی وقتی توافق، وجود یک قرارداد را معین می سازد، لزوماً همه محتوی و قلمرو قرارداد را مشخص نمی کند. این موضوعات اغلب بوسیله شروطی که در اصطلاح «شروط تلویحی» نامیده می شود تعیین می گردند. شروط مذکور ممکن است به شروط تلویحی واقعی و شروط تلویحی قانونی تقسیم شوند.^۳ این فقط شروط تلویحی واقعی اند که برآستی مبتنی بر قصد طرفین می باشند. شروط تلویحی قانونی، تکالیفی هستند که ابتدائاً بوسیله قانون تحمیل می شوند و قصد طرفین در خصوص شروط مذکور این شایستگی را دارد که، جاییکه برای طرفین آزاد باشد، بوسیله توافق صریح مخالف، آنها را کنار بگذارد.

Determine مشخص کردن - تعیین کردن

implied terms شروط تلویحی

terms implied in fact شروط تلویحی واقعی

terms implied in law شروط تلویحی قانونی

9

9

9

۱- induce

۲- seriously prejudiced

۳- divide

متون حقوق کیفری

Criminal law

حقوق جزا

Criminal law is a branch of law that defines crimes and fixes punishments for them. Crimes are wrongs about which the State is gravely concerned. Special terms are used in this area of the law such as crime, punishment, accused, and conviction

حقوق جزا شاخه ای از حقوق است که به تعریف جرایم و تبیین مجازات برای آن می پردازد. جرایم اقدامات نادرستی هستند که دولت به آن ها توجه بسیار دارد. اصطلاحات خاصی در این شاخه از حقوق به کار می رود که از جمله آن ها می توان به جرم، مجازات، متهم و محکومیت اشاره کرد.

Criminal law: حقوق جزا

Branch: شاخه:

Defines: تعریف:

Crim: جرم:

Punishment: مجازات:

Wrongs: اقدامات:

Accused: متهم:

Conviction: محکومیت:

Criminal law also includes **rules and procedures for preventing and investigating crimes and prosecuting criminals**, as well as the **regulations governing the constitution of courts, the conduct of trials**, the organization of police forces, and the **administration of penal institutions**.

حقوق جزا همچنین شامل قوانین و آیین های شکلی برای پیشگیری و تحت تعقیب قرار دادن جرایم و بازجویی از مجرمین و همچنین قوانین حاکم بر تشکیل دادگاه ها، رفتار محاکم، ساختار و الزامات پلیس و اداره نهادهای جنایی است.

Rules: قوانین:

Procedures: آیین های شکلی:

Preventing: پیشگیری:

Investigating: تحت تعقیب قرار دادن:

prosecuting criminals: بازجویی از مجرمین:

Regulations: قوانین حاکم:

constitution of courts: تشکیل دادگاه ها:

administration: اداره:

penal institutions: نهادهای جنایی:

organization of police forces: ساختار و الزامات پلیس:

(عناصر تشکیل دهنده جرم)

عنصر مادی

(actus reus)

Act and Omission

فعل و ترک فعل

Rule number ۱: The definition of some offences is restricted to liability for acts. In such cases, an omission is insufficient unless it can be construed as an act.

قاعده شماره ۱: تعریف بعضی جرائم به مسئولیت نسبت به افعال محدود می‌شود. در این گونه موارد، ترک فعل کفایت نمی‌کند مگر اینکه بتوان آن را به عنوان یک فعل تفسیر کرد.

Rule number ۲: Where an actus reus can be committed by omission, a defendant who fails to act is only liable if under a duty to act.

قاعده شماره ۲: هنگامی که عنصر مادی از طریق ترک فعل ارتکاب یابد، مشتکی عنهی که فعل را انجام ندهد، تنها در صورتی مسئول خواهد بود که ملکف به انجام فعل مزبور باشد.

Rule number ۳: A duty to act may arise through contract.

قاعده شماره ۳: تکلیف به انجام یک فعل ممکن است از قرارداد ناشی شود.

Rule number ۴: A duty to act may arise from the close relationship between defendant and victim.

قاعده شماره ۴: تکلیف به انجام یک فعل، ممکن است از نسبت و رابطه نزدیک میان مشتکی عنه و بزه دیده ناشی شود.

Rule number ۵: A common law duty to act may arise through the voluntary assumption of care.

قاعده شماره ۵: یک تکلیف موجود در حقوق عرفی برای انجام یک فعل، ممکن است از پذیرش داوطلبانه مراقبت ناشی شود.

Rule number ۶: A common law duty to act may arise from creating a dangerous situation.

قاعده شماره ۶: یک تکلیف موجود در حقوق عرفی برای انجام یک فعل ممکن است از ایجاد وضعیتی خطرناک ناشی شود.

Rule number ۷: A person may be discharged from their duty to act, incurring no liability for an omission thereafter.

قاعده شماره ۷: ممکن است یک فرد از تکلیف خود برای انجام یک فعل معاف شود و لذا متحمل هیچ گونه مسئولیتی در قبال یک ترک فعل نشود.

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

متون حقوق بین الملل

حقوق معاهدات

The definition of **treaty** as an **agreement** between subjects of international law is not in itself sufficient. There may be agreements between states which do not constitute international treaties.

M.David gives the example of a purchase by the United Kingdom Government of thousand tons of chilled beef from the government of the Argentine upon the basis of a standard form of contract used in the meat trade.

تعریف معاهده به عنوان توافقی فی‌مابین تابعین حقوق بین‌الملل، فی‌نفسه کافی نیست؛ (زیرا) ممکن است توافقاتی بین دول موجود باشد که معاهدات بین‌المللی محسوب نمی‌گردند.

آقای داوید نمونه این مورد را خرید یک هزار تن گوشت منجمد توسط دولت پادشاهی متحده انگلستان از جمهوری آرژانتین ذکر می‌کند که مبتنی بر یک قرارداد استاندارد مورد استفاده در تجارت گوشت می‌باشد.

Treaty معاهده

Agreement توافق

Another example of an interstate contract and not a treaty could be the purchase of a building or a piece of land for a legation. When this transaction is subject to the municipal law of one of the parties or to that of a **third state**.

مثال دیگری از یک قرارداد بین‌الدولی که معاهده محسوب نمی‌شود؛ می‌تواند خرید ساختمان یا قطعه زمین برای سفارتخانه باشد؛ مشروط بر اینکه این معامله تابع قوانین داخلی یکی از طرفین یا دولت ثالث باشد.

Legation سفارتخانه

third state دولت ثالث

When is an agreement governed by international law? Is this a matter of choice or of **intention** of the parties? In principle the intention of parties, express or implied, would appear to be controlling. However, there are cases in which the nature and object of the agreement make it impossible to subject in to any system of **municipal law**; such an agreement must **be governed** by international law.

Whatever the intention of parties. A case in point is the cession of a small piece of land by France to Switzerland to permit the enlargement of Geneva airport.

Despite the comparatively trivial importance of this agreement, it had to be embodied in a treaty since it involved the transfer of **sovereignty** over state territory.

اما چه هنگام، توافق تابع حقوق بین‌الملل می‌گردد؟ آیا این امر موضوعی است؛ اختیاری، یا وابسته به قصد طرفین؟ علی‌الاصول قصد صریح یا ضمنی طرفین به نظر، غالب و تعیین‌کننده است ولی مواردی وجود دارد که در آنها ماهیت و هدف قرارداد، تابعیت آن را از هر گونه نظام حقوقی داخلی غیر ممکن می‌سازد. چنین قراردادی باید تحت حاکمیت حقوق بین‌الملل قرار گیرد و قصد طرفین موثر در مقام نیست. شاهد مثال عبارت است از واگذاری یک قطعه زمین کوچک توسط فرانسه به سوئیس به منظور امکان توسعه فرودگاه ژنو. این قرارداد به رغم اهمیت بالنسبه اندک آن، می‌بایست در قالب یک معاهده منعقد می‌شد. چه آنکه متضمن انتقال حق حاکمیت دولت بر سرزمین بود.

Intention قصد

municipal law نظام حقوقی

be governed تحت حکومت

sovereignty حق حاکمیت

و

و

و

و

بخش آخر: متون فقه

غصب

- ۱- هو الاستقلال باثبات اليد على مال الغير عدوانا
غصب عبارت است از **اثبات ید بر مال غیر، مستقلا** از روی تعدی و تجاوز **(سوال آزمونی بوده) (مهم)**
- ۲- و خرج بالمال الاستقلال باليد على الحر فإنه لا تتحقق فيه الغصبية فلا يضمن
با قید مال تصرف کردن انسان آزاد خارج می‌شود و لو بنحو مستقل باشد. در این مورد غصب محقق نمی‌شود و در نتیجه شخص متجاوز ضامن آن فرد نیست.
- ۳- كذا غصب ما لا يتمول عرفا كحبة حنطة فإنه يتحقق به أيضا على ما اختاره المصنف و يجب رده على مالكة مع عدم المالية
آنجا که چیزی که عرفا مال به شمار نمی‌رود مانند یک دانه گندم، **غصب می‌شود** بنابر نظر شهید اول: تصرف عدوانی **حتی یک دانه گندم غیر، غصب می‌باشد** و غاصب باید آن یک دانه را به صاحبش بازگرداند هر چند ارزش مالی نداشته باشد. **(سوال آزمونی بوده) (مهم)**
- ۴- و على الحر الصغير و المجنون إذا تلف تحت يده بسبب كلدغ الحية و وقوع الحائط فإنه يضمن عند المصنف و جماعة
آنجا که شخص متجاوز دست خود را بر کودک آزاد و یا دیوانه‌ی آزاد قرار می‌دهد و آنها در حالیکه در اختیار شخص متجاوز بوده‌اند، به سببی مانند گزیدن مار یا خراب شدن دیوار، تلف شدند به عقیده شهید(ره) و گروهی از فقها متجاوز در مثال فوق ضامن است.
- ۵- و أما من ترتبت يده على يد الغاصب جاهلا به و من سكن دار غيره غلطا أو لبس ثوبه خطأ فإنهم ضامنون و إن لم يكونوا غاصبين
کسی که دست او بر دست غاصب مترتب شده در حالیکه از غصبی بودن مال بی‌خبر بوده است و کسی که اشتباها در خانه دیگری تصرف می‌کند یا اشتباها لباس دیگری را بر تن می‌کند این افراد اگر چه ضامن اند اما غاصب نیستند.
- ۶- و حيث اعتبر في الضمان الاستقلال و الاستيلاء **(مهم)** فلو منعه من سكنى داره و لم يثبت المانع يده عليها أو منعه من إمساك دابته المرسله كذلك فليس بغاصب لهما فلا يضمن العين لو تلفت
از آنجا که **در ضمان استقلال و استیلاء معتبر است** پس اگر کسی مانع از سکونت مالک در خانه اش شود و در عین حال شخص منع کننده دست خود را بر خانه قرار نداده و آنرا تصرف نکرده باشد یا نگذارد که مالک، حیوان مملوک خود را که رها و آزاد است ببندد بدون آنکه شخص منع کننده خودش حیوان را متصرف شود غاصب خانه یا چهار پا به شمار نمی‌رود و لذا اگر عین تلف شود ضامن آن نخواهد بود.
- ۷- أما لو كان حفظه متوقفا على سكنى الدار و مراعاة الدابة لضعفها أو كون أرضها مسبعة مثلا فإن المتجه الضمان نظرا إلى كونه سببا قويا مع ضعف المباشر
و اما اگر حفظ و نگهداری از آنها متوقف بر سکونت در خانه و مراقبت از حیوان باشد، مثل آنجا که حیوان ضعیف است یا در منطقه حیوان درنده وجود دارد در این صورت قول به ضمان موجه است چون شخص منع کننده سبب قوی در اتلاف و عامل مباشر ضعیف می‌باشد.
- ۸- ما لو منعه من بيع متاعه فنقصت قيمته السوقية مع بقاء العين و صفاتها لم يضمن قطعاً
اگر شخصی مانع شود و نگذارد مالک کالا، کالای خود را بفروشد، آنگاه قیمت آن کالا در بازار تنزل کند با آنکه عین آن باقی است و تغییری در صفات آن رخ نداده است در این صورت شخص مانع قطعاً ضامن نیست.

۹- و لو سكن معه قهرا في داره فهو غاصب للنصف عينا و قيمة لاستقلاله به بخلاف النصف الذي بيد المالك

اگر کسی به زور همراه صاحب خانه در خانه سکنی گزیند، **غاصب نیمی از خانه خواهد بود هم نیمی از عین خانه و هم نیمی از قیمت آن**، چون قیمت آن نسبت به نصف خانه، تصرف استقلالی دارد؛ برخلاف نیمه دیگر که در دست مالک است. **(سوال آزمونی بوده) (مهم)**

۱۰- و لو انعكس الفرض بأن ضعف الساكن الداخلي على المالك عن مقاومته و لكن لم يمنعه المالك مع قدرته ضمن الساكن أجرة ما سكن لاستيفائه منفعته بغير إذن مالكة

و اگر عکس این فرض باشد؛ به این صورت: کسی که بر صاحب خانه وارد شده و در منزل ساکن گشته ضعیف است و قدرت غلبه و مقاومت در برابر مالک را ندارد و در عین حال مالک، با آنکه می‌تواند؛ از سکونت او ممانعت نمی‌کند؛ آن شخص ضامن اجرت مکانی است که در آن سکونت گزیده است چون از منفعت آن بدون اذن مالکش برخوردار شده است. **(مهم)**

۱۱- و مد مقود الدابة غصب للدابة بكسر الميم و هو الحبل الذي يشد بزمامها أو لجامها غصب للدابة و ما يصحبها للاستيلاء عليها عدوانا

کشیدن افسار چهارپا، افسار ریسمانی است که به زمام و لگام می‌بندند غصب حیوان و آنچه بر آن بار است؛ به شمار می‌رود و چون کسی که ریسمان را کشیده، بر حیوان **استیلاء عدوانی** یافته است. **(مهم)**

۱۲- نعم لو اتفق تلفها بذلك ضمنها لأنه جان عليها

(آری) اگر اتفاقاً آن حیوان بواسطه کشیدن افسار تلف شود؛ آن شخص ضامن خواهد بود چون بر آن حیوان ظلم و جور کرده است.

۱۳- و غصب الحامل غصب للحمل لأنه منغوب كالحامل و الاستقلال باليد عليه حاصل بالتبعية لأمه

غصب کردن حامل {حیوان آبستن} غصب بچه ای که او در شکم دارد نیز هست، چون بچه نیز مانند مادرش غصب شده است و **استیلاء و استقلال ید غاصب بر مادر، بالتبع موجب استیلاء بر بچه می‌گردد.**

۱۴- الأيدي المتعاقبة على المنغوب أيدي ضمان سواء علموا جميعا بالغصب أم جهلوا أم بالتفريق لتحقق التصرف في مال الغير بغير إذنه

دستهایی که پس از یکدیگر بر مال غصبی وارد می‌شوند **همگی ضامن می‌باشند**؛ چه همه آنان علم به غصب داشته باشند و یا همه جاهل باشند و یا برخی عالم و برخی جاهل به غصب باشند؛ چون عنوان تصرف در مال غیر بدون اذن مالک بر همه آنها صدق می‌کند. **(مهم)**

۱۵- فيتخير المالك في تضمين من شاء منهم العين و المنفعة أو تضمين الجميع بدلا واحدا بالتقسيت و إن لم يكن متساويا

در نتیجه مالک در ضامن ساختن هر یک از آنها که بخواهد نسبت به عین یا منفعت **مخیر است** و می‌تواند همه آنها را ضامن کند که یک بدل به مالک بدهند، **به این صورت که هر یک از آنها قسمتی از آنرا بدهد اگر چه به نحو مساوی باشند.** **(مهم)**

۱۶- و يرجع الجاهل منهم بالغصب إذا رجع عليه على من غره فسلطه على العين أو المنفعة و لم يعلمه بالحال

و آنکه جاهل به غصب بوده در صورتی که مالک به او رجوع کند **به کسی که او را فریب داده رجوع می‌کند**؛ یعنی به کسی که او را بر عین یا منفعت مسلط ساخته و از غصبی بودن آن مطلع نکرده است. **(سوال آزمونی بوده) (مهم)**

و
و
و
و
و
و
و
و
و
و
و

و
و
و
و
و
و

متاجر

خلاصه نکات اجاره

وکالت

شفعه

جعاله

طلاق

فسخ

نشوز و شقاق

نکاح

مهریه

وصیت تملیکی

میراث

وقف

حدود

و
و
و
و
و

رهن

حجر

كفالت

صلح

شركت

دين

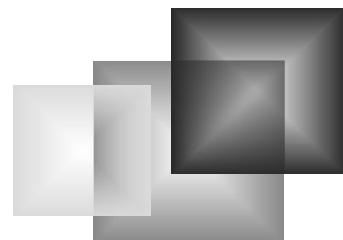
مضاربه

بخش وديعه

عاريه

خودسنجی

(متون فقه)



متاجر

۱. با فرض صدق اکراه نسبت به معامله با «المکره علی وجه یرتفع قصدہ اصلاً» این معامله مانند معامله با است. (سراسری ۸۵)

(۱) سفیه (۲) سکران (۳) فضول (۴) مجنون ادواری در دوره إفاقه

۲. عبارت «فالنماء المتخلل للمشتري و نماء الثمن المعین للبايع» با کدام یک از گزینه‌های زیر مطابقت دارد؟ (آزاد ۸۴)

(۱) ناقلیت اجازه (۲) تملیکی بودن عقد بیع ناظر بر عین معین

(۳) کاشفیت اجازه (۴) موارد ۲ و ۳

۳. «فی بیع الفضولی إذا کان المالك لم یجز العقد؛...» (سراسری ۸۲)

(۱) یرجع المشتري الاصل علی البائع الفضول، بالثمن إن کان باقیاً، عالمماً کان او جاهلاً.

(۲) لا یرجع المشتري الاصل علی البائع الفضول، بالثمن إن کان باقیاً، إلا أن یکون هو جاهلاً.

(۳) یرجع المشتري الصیل علی البائع الفضول، ببذل الثمن و إن کان باقیاً سواء کان عالمماً او جاهلاً.

(۴) لا یرجع المشتري الاصل علی البائع الفضول، بالثمن إن کان باقیاً، لأنه سلطه علی إتلافه إذا کان عالمماً.

۴. عبارت «لو باع غیر المملوک مع ملکه و لم یجز المالك صحّ فی ملکه» مجرای کدام قاعده است؟ ص ۱۸۴ (آزاد ۸۱)

(۱) ما قصد لم یقع و ما وقع لم یقصد (۲) قاعده الزعیم غارم

(۳) قاعده انحلال عقد واحد به عقود متعدد (۴) قاعده من له الغنم فعلیه الغرم

۵. بیع مال خود به ضمیمه مال دیگری چه حکمی دارد؟ ص ۱۸۴ (سراسری ۸۴)

(۱) به کلی نادرست است.

(۲) نسبت به مال دیگری به کلی باطل است.

(۳) نسبت به مال بایع درست است و نسبت به مال دیگری بر اجازه مالک متوقف است.

(۴) کاملاً درست است لکن ثمن مال دیگری به مالک مال منتقل می‌شود و بایع باید آن را به وی مسترد دارد.

۶. مبنای حکم موجود در عبارت «لو باع غیر المملوک مع ملکه و لم یجز المالك، صحّ فی ملکه» کدام یک از گزینه‌های زیر است؟ ص

۱۸۴ (آزاد ۸۴)

(۱) قاعده انحلال عقد واحد به عقود متعدد (۲) عدم تکلیف مالک به اجازه عقد فضولی

(۳) اصل برائت (۴) عدم لزوم بیعی که مبیع آن متعلق به بایع نبوده است.

۷. بیع الشاه مع الخنزیر» مصداق کدام بیع است؟ ص ۱۸۵ (سراسری ۸۱)

(۱) ما یملک و مالا یملک (۲) ما یملک و ما لا یملک

(۳) ما یملک و ما لا یملک (۴) ما یملک و ما لا یملک

۸. قدر مشترک اصطلاحات «اب»، «جد»، «وصی»، «وکیل»، «حاکم» کدامیک از عناوین زیر است؟ ص ۱۸۵ (آزاد ۸۱)

(۱) ولی (۲) نماینده قانونی (۳) نماینده قراردادی (۴) قائم مقام

۹. از عبارت «یشترط کون البیع مما یملک» کدامیک از گزینه‌های زیر را استنباط می‌کنیم؟ ص ۱۸۶ (آزاد ۸۱)

(۱) مالیت بیع (۲) مالکیت بایع بر مبیع

(۳) مالکیت مشتری بر ثمن (۴) انعقاد عقد بیع براساس مالکیت‌ها

۱۰. «یشترط فی المبیع أن یکون طلقاً، فلا یصح بیع...» ص ۱۸۷ (سراسری ۸۱)

(۱) غیر المقدور. (۲) ما لا یملک (۳) الوقف. (۴) العبد

و

و

و
و
و
و
و

پاسخنامه

۲	۷۳	۳	۵۵	۱	۳۷	۲	۱۹	۲	۱
۲	۷۴	۱	۵۶	۴	۳۸	۴	۲۰	۴	۲
۱	۷۵	۲	۵۷	۳	۳۹	۱	۲۱	۱	۳
۱	۷۶	۴	۵۸	۴	۴۰	۲	۲۲	۳	۴
۴	۷۷	۱	۵۹	۲	۴۱	۱	۲۳	۳	۵
۳	۷۸	۲	۶۰	۳	۴۲	۳	۲۴	۱	۶
۱	۷۹	۱	۶۱	۲	۴۳	۱	۲۵	۴	۷
۴	۸۰	۳	۶۲	۲	۴۴	۴	۲۶	۴	۸
۴	۸۱	۲	۶۳	۴	۴۵	۲	۲۷	۱	۹
۱	۸۲	۳	۶۴	۴	۴۶	۴	۲۸	۳	۱۰
۱	۸۳	۱	۶۵	۲	۴۷	۳	۲۹	۲	۱۱
۲	۸۴	۳	۶۶	۳	۴۸	۴	۳۰	۴	۱۲
		۱	۶۷	۴	۴۹	۴	۳۱	۳	۱۳
		۲	۶۸	۱	۵۰	۴	۳۲	۱	۱۴
		۱	۶۹	۲	۵۱	۲	۳۳	۳	۱۵
		۲	۷۰	۲	۵۲	۲	۳۴	۴	۱۶
		۲	۷۱	۲	۵۳	۲	۳۵	۳	۱۷
		۴	۷۲	۲	۵۴	۲	۳۶	۳	۱۸

مزارعه

سوال دکتری سال ۱۳۹۳ حقوق خصوصی: کدام مورد از احکام مزارعه است؟

- (۱) لایجوز لصاحب الارض الخرص علی الزارع مع الرضا (۲) لا یجوز للمزارع ان یزارع غیره او یشارکت غیره
(۳) لو اختلفا فی الحصته حلف صاحب الارض (۴) یجوز ان یکون من احدهما الارض حسب و من الآخر البذر و العمل و العوامل
- گزینه ۲ صحیح است:** و یجوز أن یکون من أحدهما الأرض حسب و من الآخر البذر و العمل و العوامل. گزینه ۱ صحیح نیست چون جایز است مالک سهم خود را تخمین زند و با رضایت مزارع آن را با عقد قباله به وی واگذار کند. گزینه ۲ نیز صحیح نیست؛ چون مزارع می‌تواند با دیگری مزارعه کند و یا با دیگری شریک شود. گزینه ۳ صحیح نیست؛ چون در صورت اختلاف در حصه صاحب بذر سوگند می‌خورد.

سوال دکتری سال ۱۳۹۳ حقوق خصوصی: کدام مورد، درباره عقد مزارعه درست است؟

- (۱) یجوز أن یطلق المزارعه (۲) تبطل بموت احدهما
(۳) لا یصح التقایل فیه (۴) لایشترط ان یکون النماء مشاعاً
- گزینه ۱ صحیح است:** گزینه های دیگر صحیح نیست؛ چون مزارعه عقد لازم است و با مرگ یکی از طرفین منفسخ نمی‌شود. اقاله در آن ممکن است و شروط است که نما به صورت مشاع باشد.

سوال دکتری سال ۱۳۹۰ حقوق عمومی: اذا اشترط ... جاز

- (۱) حمل الدابه فیما بعد (۲) تأخیر المبیع فی ید البائع ماشاء
(۳) ان یتبلغ الزرع السنبل (۴) تبقیه الزرع الی اوان السنبل
- گزینه ۴ صحیح است:** اگر شرط به تأخیر انداختن مبیع که در دست بایع است یا ثمن که در دست مشتری است تا هرزمان که هریک از بایع و مشتری نخواهند، شود (جایز نیست، چراکه جهلت در آنها وجود دارد) همچنین شرط کردن امری که برای مشروط علیه مقدور نیست، باطل می‌باشد، مانند شرط باردار شدن چهارپا در آینده یا به حد خوشه رسیدن زراعت (خواه بر مشروط علیه شرط شده باشد که با عمل او به آن حد برسد یا آنکه به فعل پروردگار عالم چنین شود، زیرا هر دو فرض، غیر مقدور هستند). (و در صورتی که زمین یا زراعت بدون دیگری فروخته شود) اگر شرط شود که زراعت تا هنگام خوشه‌دار شدن در زمین باقی بماند، این شرط جایز است، زیرا انجام چنین کاری در توان مشروط علیه است، بدون آن که نیازی به تعیین زمان باقی ماندن زراعت بر روی زمین باشد و مدت چنین شرطی، به اندازه‌ای که معمول است، قرار داده می‌شود، زیرا زمان متعارف مشخص می‌باشد.

آزمون کارشناسی ارشد سراسری ۸۸: اصل در عقد مزارعه از تامین ارکان اربعه آن (ارض - بذر - عمل و عوامل) توسط دو طرف عقد کدام است؟

- (۱) ارض و بذر از یک طرف و عمل و عوامل از طرف دیگر
(۲) ارض و بذر و عوامل از یک طرف و عمل از طرف دیگر
(۳) ارض از یک طرف و بذر و عمل و عوامل از طرف دیگر
(۴) ارض و عوامل از یک طرف و عوامل از طرف دیگر

گزینه ۳ صحیح است. مزارعه در اصطلاح شرعی نیز عبارت است از: معامله زمین به گونه‌ای که مالک زمین خود را در اختیار زارع (عامل) قرار دهد تا او در آن کشاورزی کند: در مقابل حصه‌ای معین از محصول زمین تا مدت معینی

و
و
و
و
و
و
و